



# ما ملت امام حسینیم

پرونده‌ای درباره نقش آفرینی  
زنان در عاشورا و چگونگی  
الگوبرداری از این حادثه  
تاریخی برای مادران که به طور  
اتفاقی با حوادث اخیر عجین  
شد. محتوای این پرونده  
می‌تواند نقشه‌راهی برای  
ایستادگی باشد



عکس: میلاد سمنگانی / شهرآر

۲۸ یک انتخاب  
کاملاً خصوصی

۱۰ یک هیئت  
همه فن حریف

۶ سنگری  
در خانه

## + حرف اول

### «ما ملت امام حسینیم»

● **لیلا جان قربان** امامان از اول صبح یکی یکی برایم پیام می فرستد. برنج چهار کیلو، گلاب یک شیشه، شکر پنج کیلو، هل داریم نمی خواد بخری، به اون رفیقت که پارسال زعفران برام آورد بگو دو مثقال هم امسال بپاره، چندتا جعبه خرما هم بخیر، یادم رفت بگم خلال بادوم هم بگیر، اگه سمت چهارراه میدون بار مسیرت خورد پنجاه عدد ظرف یک بار مصرف هم بگیر، راستی...

پیام های یکی یکی دینگ دینگ صدایش می آید، وسط شلوغی کار، گوشی را برمی دارم و زنگ می زنم: «الو مامان جان، سلام. قربون شکل ماهت بشم من، می شه هرچی واسه نذری لازم داری روی یک کاغذ برام بنویسی یک دفعه عکس بگیری و بفرستی؟» توی ذوقش می خورد، مثل وقت هایی که بهش برمی خورد می گوید: باشه! و گوشی را قطع می کند. می فهمم که بد صحبت کرده ام، دوباره زنگ می زنم: آخه الان توی این شرایط فکر می کنی کسی بیاد روضه که شما می خوای دیگ شله زرد علم کنی؟ با همان صدای ناراحت و البته کمی عصبانی می گوید: شماها خیال کردین چه خبره! این روضه من مال امروز و دیروز نیست! اون موقع که هشت سال جنگ داشتیم سفره های نذری من و مجلس روضه امام حسین (ع) توی خونه پابر جا بود، حالا توبه من می گی توی این شرایط! دوباره با حالتی گوشی را ناراحت قطع می کند. توقع ندارد! خب راست می گوید: مامان یک خاطره هایی دارد که باید یک وقتی بنشینم آن ها را کتاب کنم. از آن خاطره های ویژه ای که همه ندارند. از آن زمان که خانه سمت خیابان بهار بود، گاهی که حوصله دارد می گوید: «گوشم راکه روی زمین می گذاشتم صدای تانک ها را می شنیدم که از پادگان بیرون می آمدند.»

آن زمان تازه بابا از دواج کرده بوده، گاهی هم از دل نگرانی های دخترک دم عقدی می گوید که شوهرش با بچه های بسیج، صبح می رفته و برگشتش با خدا بوده است. «تازه همون وقتی هم که بابا ت رفته بود جبهه ما تلفن نداشتیم، اون موقع من دو تا داداش هات رو داشتم. زنگ می زد خونه زهرا خانم، می گفت من یک ساعت دیگه زنگ می زنم. من دست این دو تا بچه رو می گرفتم و می رفتم می شستم خونه همسایه تا زنگ بزنه. یک وقتی تادو، سه ساعت بعد هم زنگ نمی زد. ما اینجا تلفن نداشتیم، اون اونجا. وقت هایی که عملیات داشتن که دیگه هیچ چی، یک دفعه سه هفته زنگ نزد، همه فکر می کردن یا شهید شده، یا مفقود یا اسیر صاحب خونه اومده بود در خونه و از ترس اینکه دیگه نتونیم اجاره بدیم، می گفت می خوام پسرم رو داماد کنم، خونه رو خالی کنید.» مامان از این حرف ها زیاد دارد. گاهی با خودم می گویم تمام شب هایی که بابا توی جبهه بوده او اینجا همراهش جنگیده و در ذهنش همراه او بوده است. این همراهی البته که فقط ذهنی نبوده است! تمام سال هایی که بابا نبود او هم مامان بود برای ما، هم بابا! چه خاطره هایی که از تنها دکتر و بیمارستان بردن ما آن هم وقت و بی وقت داد. قصه این روضه هایش هم برمی گردد به همان سال ها. به همان سال هایی که به قول من «توی این شرایط» بود.

گوشی را برمی دارم تا دوباره زنگ بزنم به مامان. قصد دارم بگویم تمام سفارش هایت را چند برابر کن که می خواهم رفقایم را هم دعوت کنم تا یک چیزهایی برای امروز از تو و رفقای پای ثابت روضه هایت یاد بگیریم. گوشی که زنگ می خورد تعجب می کنم: پیشواز گوشی را توی همین چند دقیقه عوض کرده است. «ما ملت شهدا تیم، ما ملت امام حسینیم! پیرس! ما حوادث سختی را پشت سر گذاشته ایم. بیا! ما منتظریم. مرد این میدان ما هستیم برای شما. شما می دانید این جنگ یعنی نابودی همه امکانات شما. این جنگ را شما شروع می کنید اما پایش را ما ترسیم می کنیم.»

### زهرا نظری، شهید مشهدی حمله تروریستی شد

شهربانو

زهرا نظری به همراه برادرش محمد مهدی نظری در حملات تروریستی رژیم صهیونیستی در تهران به شهادت رسیدند. او از حافظان قرآن و معلمان جهادی بود که بخشی از فعالیتش در بند نسوان زندان مرکزی آموزش روحوانی و روان خوانی قرآن کریم بود. آن هائی سفری چند روزه به تهران به مقام شهادت رسیدند.

اطلاعات

خبرنگار زن اسرائیلی که از حمله ایران شوکه شده بود مقابل دوربین خبری رسانه ها گفت: این بدترین و سخت ترین صحنه هایی است که در سال های اخیر دیدم! هیچ منطقه ای در اسرائیل دیگر امن نیست.

شهربانو

مونا فرجاد در واکنش به جنگ اسرائیل با ایران در صفحه اینستاگرام خود نوشت: مرگ بر جنگ افروزان.

شهربانو

یلدا ابتهاج، یکی از دختران شاعر فقید هوشنگ ابتهاج، در صفحه شخصی خود در اینستاگرام با انتشار این متن واکنش نشان داد: ای مردم ایران زمین... چودوبی سروسامان شدم که برق بلا/ به خرمنم زد و آتش در آشیانه گرفت... سایه جان! مهر وطن کار وفاداران است/ باد ساران هوارا به وطن حاجت نیست

شهربانو

پریناز ایزدیار، بازیگر سینما و تلویزیون، در صفحه اینستاگرام خود با انتشار تصویری از ویرانه های منازل مسکونی در تهران نوشت: فقط می تونم بمیرم برات.

ایران

آریتا ترکاشوند، بازیگر سینما و تلویزیون، با تأکید بر ضرورت امیدبخشی به جامعه ایران در شرایط موجود گفت: ما ملت امام حسین (ع) هستیم و به زودی از این بحران خارج خواهیم شد.

### باشگاه ورزشی کاراته پناهگاه شد

ایستاد

فرخنا زارباب، سرمربی تیم ملی کاراته جوانان ایران، در شرایطی که رژیم صهیونی به کشور تجاوز کرده است، باشگاه ورزشی خود را در اختیار مردم و افراد بی پناه گذاشت. او گفته است: اعلام آمادگی می کنم تا انتهای جنگ همچون سرباز خدمتگذار و خادم این مردم و کشور بوده و مجموعه ورزشی خود به نام «رعد آسا» را در اختیار خانواده هایی که تحت تأثیر این حمله ها به پناهگاه نیاز دارند، قرار بدهم.

وزارت

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، درباره وحشی گری متجاوزان اسرائیلی در توییتی نوشت: رژیم متجاوز اسرائیل در تبلیغات خود طوری وانمود می کند که گویا حملاتش را با دقت و بدون حمله به مناطق مسکونی انجام می دهد. اما حقیقت چیز دیگری است: فقط در سه حمله بیش از هفتاد زن و کودک کشته شده اند، هنوز ۱۰ کودک از ۲۰ کودک مدفون در ساختمان مورد حمله در شهرک چمران از زیر آوار بیرون کشیده نشده اند!

ایستاد

دکتر مرضیه عسکری، فوق تخصص کودکان، به همراه دختر سه ساله اش در حملات سحرگاه جمعه ۲۳ خرداد رژیم منحوس و کودک کش صهیونیست به تهران به شهادت رسیدند.

خبرآیند

زینب سلیمانی، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: ترامپ قمارباز! تهدید رهبر عزیزمان توسط تو، مثل رجز خوانی مگس برای سیمرغ است. نه ایران را می شناسی نه شیعه را، وگرنه می دانستی علی (ع) در خیبر چه کرد. تاریخ را بخوان! گورستان ها پر است از جنايتكارانی چون تو که رهبر ماراتهید کرده بودند و حالا خاک چشمانش را پر کرده و کرم ها زبانشان را خورده اند.

آیند

جواد فروغی، دارنده مدال طلای المپیک توکیو، مدال جهانی خود را به سحر امامی، مجری صدا و سیما تقدیم کرد.



## سحرامامی نماد مقاومت شد



سحرامامی به یک نماد پررنگ در جبهه مقاومت به عنوان یک زن در رسانه تبدیل شد. آنچه در ساختمان شیشه‌ای ۲۶ خرداد رخ داد سندی دیگر بر تأیید کودک‌کشی و خبرنگارکشی رژیم صهیونیستی است. آنچه ما از پشت شیشه جعبه جادویی دیدیم رشادت شیرزنی از میلیون‌ها زن ایرانی بود. انگشت دست او که به نشانه رجزخوانی، تهدید و غرور ملی بالا برده شده بود که اکنون به نمادی از مقاومت زنانه تبدیل شده است.

هفت صبح

**شهرزادو**  
منصوره عالیخانی، از نقاشان برجسته و با سابقه، طی حملات رژیم صهیونیستی به مناطق مسکونی به شهادت رسید. او که از شاگردان استاد کاظم چلیپا بوده در آخرین روزهای حیاتش مشغول خلق یک اثر عاشورایی بود که با شهادتش نیمه کاره ماند.

**شهرزادو**  
نیلوفر قلعه‌وند، مربی پیلاتس و پیرینا عباسی از شاعران دهه هشتادی در پی حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به تهران به شهادت رسیدند.

**رکتا**  
در جریان حملات رژیم صهیونیستی به ساختمان‌های مسکونی تهران، سه عضو خانواده زینلی به شهادت رسیدند و مادر خانواده با جراحات شدید در بیمارستان بستری شد.

**شهرزادو**  
مادری با جنین هفت ماهه‌اش در پی حملات رژیم کودک‌کش اسرائیل به تهران، به شهادت رسید. سیده فاطمه رسولی همراه جنین هفت ماهه‌اش به خاک سپرده شد که این سندی دیگر بر کودک‌کشی رژیم غاصب صهیونیستی است.

## بانوی هنرمند مشهدی نقشی از نبرد خیر و شر را به تصویر کشید

**شهرزادو**  
«وحیده عاشوری»، بانوی هنرمند نگارگری در رویداد «وطن من» مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، به خلق یک اثر هنری اقدام کرد. این اثر، تلفیقی از دو هنر نگارگری و نقاشی قهوه‌خانه‌ای است و هنرمند در آن تلاش کرده است تا جلوه‌ای از نبرد خیر و شر را به تصویر بکشد.

**ایستنا**  
فرشته باقری، فرزند سردار سپهبد شهید محمد باقری، که به عنوان خبرنگار در خبرگزاری دفاع مقدس، در عرصه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت فعالیت می‌کرد، در حمله سحرگاه ۲۳ خرداد ماه رژیم صهیونیستی، همراه با پدرش به شهادت رسید.



**فرارو**  
حسین کرمانپور، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «نتیجه تأسف بار این شعار دروغین که اسرائیل کاری به ملت ایران ندارد و اهداف فقط نظامی است! بعد از گذشت ۶۵ ساعت از تجاوز رژیم صهیونی، تعداد ۱۴۸۱ مصدوم و شهید است که ۱۲۷۷ نفر در بیمارستان‌های دانشگاهی کشور بستری شده و بیش از ۹۰ درصد غیرنظامی هستند! از این تعداد ۵۲۲ نفر ترخیص شدند و ۲۲۴ زن، مرد و کودک شهید شده‌اند!»

**هجر**  
معصومه عظیمی، کارمند دبیرخانه صداوسیما، به دلیل موج انفجار ناشی از حمله رژیم صهیونیستی به شهادت رسید.

**ایران**  
بسیج جامعه زنان کشور در پیامی از مجری صداوسیما در قامت یک صدای رسا و جسور، بارقه‌ای از امید، آگاهی و ایستادگی در دل جامعه قدردانی کرد.



زنان یک بار دیگر اثبات کردند که پای ثابت مقاومت هستند

# ایستاده ایم

**فاطمه بختیاری** | هر چه رفارش می‌کنم فایده ندارد، بالا نمی‌آید. گوشی ام را می‌گویم، آن قدر عکس خبری و مصاحبه صوتی دارم که دیگر وقتی مهمانی یا تولدی می‌روم، به بقیه می‌گویم: شما عکس بگیرید واسه منم بفرستید؛ گوشیم جا نداره! وقت هایی هم که نرجس، دختر چهار ساله ام گوشی را برمی‌دارد تا بازی کند حساسی شاک می‌شود! «مامان این چه گوشی یه که داری! یه بازی هم نمی‌شه باهاش کرد». خیلی وقت ها نشسته ام تا صداها و عکس ها را پاک کنم. اما هیچ وقت موفق نبوده ام! اولی را که گوش می‌کنم، می‌گویم حیف است، حرف های کارشناسی خوبی زده، دومی مادر شهیدی است که الان دیگر چشم از این دنیا فرو بسته و به رحمت خدا رفته است، دیگری خانمی کارآفرین است که حالا برای خودش یک پاتولیدکننده کلان شده است و دیگری... همه یک حکایت و یک روایتی دارند که می‌ترسم پاک کنم. با خودم فکر می‌کنم که حتما دوباره یک روز به فایل های صوتی و عکس های آن ها نیاز پیدا می‌کنم؛ البته که تا به حال نیاز پیدا کرده ام. نمونه اش هم مادر شهید غفاریان؛ مرحومه حاج خانم قاسم خانی. از آن زنان خاص بود. تا فرش زیرپایش را وقف کرده بود. بخشی از دوران جوانی اش را به مبارزه با ضد انقلاب گذرانده بود. راستش را بخواهید الان می‌فهمم که وقتی می‌گفت ضد انقلاب می‌آمد و توی زیرزمین خانه بمب دست ساز می‌انداخت یعنی چه! من تازه الان فهمیده ام که هشت سال جنگ چه بادل یک زن می‌کند؛ بادل یک مادر، یک وقت هایی که مامان از بی‌قراری شب های عملیات می‌گفت، با خودم می‌گفتم: ای بابا این مامان من نمی‌خواد از خاطرات سی سال پیش دست بردار. اما حالا می‌فهمم که این خاطرات، گم شدن و کم رنگ شدن نیستند! راستی شما هم به این چیزها رسیده اید؟ الان آن حس و حال کارهای پشت جبهه بهتان دست داده است با همان گوشی که باید التماسش کنم تا بالا بیايد، راه افتادم توی شهر، رفتم سراغ زنان. از آن ها پرسیدم از این روزهایی که می‌گذرانند. از کارهایی که می‌کنند و نمی‌کنند. شاید بعضی ها برنامه ویژه ای نداشتند، ولی پاسخ بعضی دیگر برایم خیلی جالب بود. برای شما هم احتمالا این جور خلایق ها جالب باشد.

## پویش داریم

آرام محرابی، خواهر شهید مدافع حرم حسین محرابی، از آن خواهران شهیدی است که همیشه فعال بوده و کنشگری اجتماعی داشته است. مهر تأیید این کار تبدیل کردن خانه پدری اش به حسینیّه ای برای زنده نگه داشتن یاد و نام شهدای مدافع حرم و تشکیل کانون خواهران شهدای مدافع حرم است که از سرتاسر ایران عضو فعال دارد. او درباره اینکه چه واکنشی به حملات رژیم کودک کش داشته اند می‌گوید: ما پویش داریم، پویش «آخرش جنگ با ماست» در این پویش نوجوانان، جوانان، مادران و خانواده شهدا و تمام کنشگران و فعالان، در حالی که پرچم اسرائیل را پاره می‌کنند، می‌گویند «جنگ را شما شروع کردید، ولی آخر و پایان آن با ماست» از خودشان کلیپ می‌گیرند و برای ما می‌فرستند.

تا الان حدود سی کلیپ آماده کرده و در فضای مجازی نشر داده ایم. تمام این کلیپ ها را به واسطه گروه های

مجازی فعالی که در کانون خواهران شهدا داریم به ۵۲ شهر فرستاده ایم. با همین شعار «آخرش جنگ با ماست» بچه ها پوستر هم درست کرده اند که آن ها را هم قرار است توزیع کنیم.

## زن جیره مهربانی داریم

زینب زمانی از دیگر زنان فعالی است که دانشگاه شهید بهشتی تحصیل کرده است. او در پویش تمام عیار که در حمایت از مردم غزه برگزار شد، نقشی پررنگ داشت و نماینده گروه جهادی مرابطات ایران در استان خراسان از همان زمان شد. البته که به عنوان نماینده در اولین قدم الگوهایش را وسط گذاشت و سپس سود کارگاه تولیدی اش را.

او درباره اقداماتی که این روزها در کشور خودمان در پی حمله بی‌خردانه رژیم صهیونیستی انجام شده است می‌گوید: یکی از کارهای ویژه ای که انجام شد: قربانی با مشارکت های مردمی به نیت سلامتی امام زمان (عج)،

سلامتی رهبر عزیز و پیروزی حق بود. این طرح را با مشارکت مردمی قرار است روز اول محرم نیز اجرا کنیم. طرح دیگر ما زن جیره مهربانی معلمان است که در این طرح معلمان عزیز برای ایجاد امید و قوت قلبی در دل دانش آموزان با آن ها ارتباط برقرار می‌کنند. مثالی که از معلم ها برای بچه ها نامه نوشته و به آن ها قوت قلب داده است. در این طرح خانم معلم های جهادی، پیگیر حال بچه ها هستند و برای آن ها صوت و متن های امیدآفرین با هدف تقویت روحیه ملی می‌فرستند. نذر صلوات، ختم صلوات، ختم قرآن و قرائت آن، قرائت دعا های صحیفه سجادیه، صدقه دادن و توسل به ائمه اطهار (ع) برای پیروزی در این نبرد تحمیلی نیز از دیگر برنامه های روزانه مادر گروه جهادی مرابطات است.

هدف ما پویش های زنانه است. به گفته امام (ع) نقش زنان از مردان در بسیاری از رخداد ها خیلی پررنگ تر بوده است و همیشه پیشرو بوده اند. خانم ها چه در زمان انقلاب و چه در زمان جنگ تحمیلی پیشرو بوده اند و باتوجه به این نقش زنان ما از سال ۱۴۰۰ وارد عرصه شدیم.

واکنش حاجیه خانم فاطمه علمي

مادر شهید مهدی منصوری نژاد

معروف به مهدی منصوب به حمله رژیم صهیونیستی

## رژیم اشغالگر صهیونیست باید سر جای خود بنشیند



مردم عزیز ایران! ماهشت سال جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشته ایم. فرزندان ما مانند شیر به میدان جنگ رفتند و مبارزه کردند. الان هم فرزندان ما مانند همان دوران، آماده مبارزه با دشمن هستند. آماده فدا شدن برای ایران و اسلام و گوش به فرمان رهبر معظم انقلاب هستند و پدر و مادرها هم بادل و جان و با افتخار آماده هستند که فرزندان خود را در این راه فدا کنند.

همه ما باید گوش به فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی باشیم و پشت سر ایشان حرکت کنیم. مردم ما باید مانند همیشه همراه رهبر انقلاب اسلامی باشند. دشمنان

ما هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. رژیم اشغالگر قدس اصلا به حساب نمی‌آید که از آن ترس و واهمه ای داشته باشیم. آن ها اصلا انسان نیستند و بویی از انسانیت نبرده اند و اگر انسان بودند که این همه کودکان و زنان و مردم بی‌دفاع فلسطین را قتل عام نمی‌کردند. آن ها را به کدامین گناه به قتل رساندند؟ رژیم اشغالگر صهیونیست باید سر جای خود بنشیند و بداند که مردم ما ترسی از او ندارند. اگر آمریکای جنایت کار پشتیبان رژیم صهیونیستی است، ما خدایی داریم که پشتیبان ما و مردم است. دعای امام عصر (عج) همراه جوانان ما است.

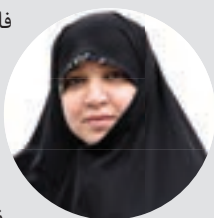


یادداشت

واکنش رئیس کمیسیون بانوان  
و خانواده شورای اسلامی  
شهر مشهد به حملات اخیر  
رژیم صهیونیستی به خاک ایران

## فرستی برای قهرمان پروری

فاطمه سلیمی، رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای شهر مشهد، ضمن اینکه همچنان معتقد است که نقش زنان و مادران در رخداد های تاریخی و کنونی انکارناپذیر است، درباره تهاجم اخیر رژیم صهیونیستی به خاک ایران و کشتار زنان و کودکان بی گناه این گونه برای مادر یادداشتی نوشت:



زنان از همان دوران انقلاب و جنگ تحمیلی دفاع مقدس اثبات کردند که حضوری فعال داشته و نقشی اثرگذار دارند. آن ها همیشه چاره هایی اندیشیده اند که گره گشا بوده و حامی مردانی بوده اند که در جبهه های نبرد حضور داشتند. در شرایط کنونی هم که رژیم کودک کش اسرائیل به کشور ما تجاوز کرده و کودکان و زنان و مردان بی گناه را هدف قرار داده است در کنار پاسخ دندان شکنی که با اقتدار دادیم و وعده صادقی که تحقق می یابد؛ دوباره زنان باید تاریخ را تکرار و نقش آفرینی کنند. در شرایط حساس کنونی به نظرم که مادران می توانند فضای همدلی و امنیت روانی را در خانه و خانواده ایجاد کنند و در کنارشان دختران در فضا های مجازی که اکنون تبدیل به جبهه ای برای عرض اندام شده است فعالیت کنند. دختران توانایی و خلاقیت هایی دارند که باتوجه به رهنمودها و نکات قابل توجه امنیتی، می توانند سربازان جنگ نرم باشند. فرهنگ سازی و پشتیبانی اقدامی است که این روزها از درون خانه های ما می تواند برخیزد. روشنگری و جهاد تبیین انتظار دیگری است که از مادران و دختران فعال و فرهیخته می رود. پیشنهاد می کنم خانم ها این برنامه ها را محدود به خانه و خانواده خودشان نکنند، بلکه گدعه هایی از مادران و دختران جوان تشکیل دهند تا بتوانند نقش محوری خود را ایفا کنند. این فعالیت ها گاهی می تواند در حد ساختمان خودمان و گاهی می تواند در حد محله باشد که باتوجه به پروتکل های اعلامی می توانیم آن ها را اجرا کنیم.

نکته مهم دیگر حفظ آرامش و امنیت خانواده است. این فقط از دست زنان و مادران برمی آید. به نظرم این اتفاقات، شهادت کودکان و آن اتفاق رسانه ای که خانم امامی، مجری شبکه خبر رقم زد، پیامی خاص دارد. اینکه این روحیه و این حجم از شجاعت، گواهی از تربیتی خاص توسط مادران است. قطعا جریانی که توسط زنانی همچون خانم امامی رقم می خورد حاصل تغییرات لحظه ای نیست، بلکه واکنشی از تربیتی است قهرمان پرورانه. این یعنی ما همچنان مادرانی داریم که دخترانی قهرمان تربیت می کنند که این مسیر باید به نسل های بعدی نیز منتقل شود. این روحیه در تمدن چندین هزار ساله ما بوده است و قطعاً جریانی است از گذشته که به امروز رسیده است و حال اتجلی و بروز یافته است.

من پیشنهاد می کنم که زنان، مادران و دختران مادر چند حوزه حتماً ایفای نقش کنند. در درجه اول جهاد تبیین، روشنگری و تقویت عرق ملی و تکیه روی این نکته که آنچه ما انجام می دهیم پاسخی به تهاجم دشمن است و ما جنگی را آغاز نکردیم، ولی باید از حیثیت خود دفاع کنیم و تهاجم دشمن را بدون پاسخ نگذاریم. دیگر اینکه از دعا و توسل غافل نشویم. خانم ها در زمینه برگزاری مراسم مذهبی و روضه ها یید طولایی دارند و قطعاً می توانند، توانمند عمل کنند. اقدام دیگری که قطعاً مؤثر خواهد بود کمک کردن است. به هم کمک کنیم و گره از کار هم بگشاییم. و در نهایت اینکه «جان من ایران» را در خانه، خانواده و جامعه ترویج دهیم.

### چله دعای عهد داریم

جبهه مردمی زیست عقیقانه هم در این روزها برنامه های ویژه ای دارد. اجتماع بانوان در جوار قبور شهدای گمنام پارک ملت برای مطالبه انتقام سخت و قاطع از رژیم صهیونیستی، توزیع نذری همراه با شعار «مرگ بر اسرائیل» و «اسرائیل نابود است» در روز عید غدیر، راه انداختن جشنواره تبیین و تقویت عرق ملی، برگزاری چله دعای عهد در بوستان ملت و خورشید با پیام ایستادگی از جمله برنامه های این گروه جهادی است. در چله دعای عهد این گروه جهادی که هر روز صبح در بوستان ملت برگزار می شود بعد از حملات تهاجمی رژیم صهیونیستی شاهد حضور پررنگ تر جوانان هستیم.



محفل تلاوت قرآن، تلاوت سوره مبارکه فتح، قرائت دعای توسل، ختم صلوات، تلاوت دعای ۱۴ صحنه سجاده برای پیروزی ایران عزیز بر دشمن غاصب، برگزاری روضه های خانگی همراه با سخنرانی های آموزشی درباره رخداد های اخیر و نحوه مواجهه با آن ها، ختم صلوات و پخت نذری، تبدیل کردن مساجد به پایگاه های فعال در این زمینه و بسیاری برنامه فرهنگی دیگر این روزها در مشهد و توسط زنان مشهدی در حال انجام است. خیلی از زنان نقاش دست به قلم شدند و نقاشی کشیدند مانند دختران ورزشی «نایریکا» حدیث کسا برگزار کردند خانم های حسینیه امام حسین (ع) در محله سجاده در چند روز ختم قرآن داشتند و بسیاری برنامه های دیگر که ما برخی از آن ها را برایتان نوشتیم، اما معتقدیم و آگاه که شما هم بی تفاوت نبوده و برنامه های متفاوت و جذابی را انجام می دهید؛ برنامه هایی که همه یک هدف دارد و آن هم مشتی محکم بر دهان دشمن نادان، اسرائیل است.



صحنه حاضر باشند تا پشت و پناه کشور و اسلام عزیز باشند. نکند خدای ناکرده به وسوسه افرادی که نمی خواهند فرزندان شما در میدان مبارزه باشند، گوش دهید. گوش ما هم زمان جنگ از همین حرف ها پر بود. من افتخار می کنم که مادر شهید هستم. سه فرزند دیگر هم دارم که حاضرم آن ها هم فدای اسلام شوند. خدا این فرزندان را به ما داده تا در چنین روز هایی در خدمت اسلام باشند و از مملکت اسلامی مان دفاع کنند. نگران نباشید و خدا پشت و پناهتان باشد.

کند، عزیزانی هستند که فرزندان خود را به راه اسلام و دین هدایت می کنند. آن ها نباید نگران فرزندان خود باشند و باید به این افتخار کنند که فرزندان شان، خادمان امروز دین و کشور هستند. در دوران هشت سال دفاع مقدس، هیچ گاه مانع نشدم که فرزندانم به جبهه بروند. با افتخار، آن ها را بدرقه می کردم و فرزندانم را به خدا می سپردم. الان هم اوضاع تغییری نکرده است. زمانی است که زنان و مادران باید فرزندان و همسران خود را به جهاد و مبارزه تشویق کنند. در

از ارتشیان، سپاهیان و همه نیروهای نظامی و انتظامی کشور قدردانی می کنیم و حامی آن ها هستیم. از آن ها می خواهیم همچنان با قدرت در میدان باشند. آن ها سربازان امام عصر (عج) بوده و در دفاع از مردم و کشور پیشتاز هستند. دعای خیر مردم، بدرقه راه آن هاست. فرزندان ایران هم آماده هستند تا در صورت نیاز، در دفاع از کشور همراه آن ها باشند. از آن ها می خواهیم راه خود را تا نابودی اسرائیل ادامه دهند. خانم ها و مادران عزیز که خداوند ان شاء... عمر با عزت به آن ها عطا

## بررسی نقش‌های حیاتی زنان در مدیریت بحران

# سنگری در خانه



نبرد را جنگی وجودی می‌دانند و تأکید می‌کند: شناخت صحنه، باور قلبی و امید به آینده، لازمه عبور موفق از شرایط بحرانی است. او در ادامه سه نقش کلیدی برای بانوان تعریف می‌کند. این نقش‌ها عبارت‌اند از:

مردان اختصاص می‌دهد، اما نگاهی دقیق‌تر نشان می‌دهد که جنگ، عرصه‌ای بود برای نقش‌آفرینی عمیق و چندوجهی زنان؛ چه در پشتیبانی مستقیم از جبهه‌ها، چه در حفظ روحیه جامعه و چه در تربیت نسل آینده. در ادامه دکتر سارا طالبی، مدیر مرکز راهبری و هماهنگی امور بانوان سازمان تبلیغات اسلامی، جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی، این

لیلا جان قربان! در طول تاریخ، جنگ‌ها همواره عرصه‌ای برای نمایش شجاعت، ایثار و مقاومت ملت‌ها بوده‌اند؛ اما در کنار مردانی که در خط مقدم می‌جنگیدند، زنانی حضور داشتند که بی‌سلاح، اما مسلح به ایمان، صبوری و تلاش بی‌وقفه، بار سنگین پشتیبانی جنگ و حفظ ساختار اجتماعی را به دوش کشیدند. اگرچه تصویر کلیشه‌ای از جنگ، میدان رزم را به

### هوای خانواده را داشته باشیم

- همه ما خانواده‌ای داریم که ممکن است نگرانی‌هایی داشته باشند که ما باید پرچم‌داران این ماجرا باشیم.
- روایت امید و عزم برای آینده‌آفرینی و ایجاد جمع خانوادگی و برگزاری میهمانی‌ها و فضا سازی امید به آینده برعهده ما بانوان است.

### در اجتماع فعال باشیم

- برگزاری مراسم‌ها و حلقه‌های دعا به صورت حضوری در میان بانوان، هر چه بتوانیم این فضا را بیشتر کنیم.
- موجب تخلیه روانی می‌شود و ناامیدی و ترس را در میان جامعه کم می‌کند.
- تا می‌توانید فضای گفت‌وگو را در محله و پارک و اقوام و خانواده پررنگ کنید تا مردم حرف بزنند و تخلیه روانی شوند.
- حضور در مساجد را پررنگ کنید. مدام دعاها و سوره‌های یاری دهنده در جهاد را در خانه‌ها پررنگ کنید و از ایام محرم و عزاداری استفاده کنید و از گفتمان انقلاب اسلامی و امیدآفرینی غافل نشوید.
- شعارنویسی روی دیوارها می‌تواند به ما کمک کند.
- باید شجاعت در میان جوانان و نوجوانان ما پررنگ شود و ترس را از آن‌ها بگیریم. دشمن دنبال این است که در رسانه نشان دهد که مردم ترسیده‌اند. شجاعت و اتحاد مردم را به تصویر بکشید.
- افراد محله باید دور هم جمع شوند. این دیدارها موجب تقویت روحیه و فرصتی برای تبیین جنایات دشمن است.

### روی خودمان کار کنیم

- نکته اول فهم اتفاقات اخیر است. تا فهم شکل نگیرد، اراده ایجاد نخواهد شد. این نیاز به مطالعه تاریخ دارد.
- در سوره انفال، خداوند سنت‌های الهی را به ما یادآور می‌شود. پس ما نیازمند این هستیم که با یقین و خودباوری ابتدا حس اعتماد به نفس را در خود ایجاد کرده و سپس این حس را به دیگران منتقل کنیم.
- از صحبت‌های خود نتانیا هو هم مشخص است که به ته ما چرا رسیده است؛ هر چند ظاهر را حفظ می‌کند. بداند که این فرصت برای ما مغتنم و ویژه است و می‌تواند نشاط آفرین باشد؛ به ویژه در حفظ وطن.
- مادر دانش هسته‌ای به نقطه‌ای رسیده‌ایم که دائم در حال تحول هستیم و قابل توقف نیست. پس به شدت دستان به لحاظ محتوا و قوای اطلاعاتی باید پُر باشد. ما می‌توانیم همه حمله‌ها را پاسخگو باشیم.
- هر کسی هر چه از دستش برمی‌آید، باید انجام دهد. این نتیجه باور به سنت‌های الهی است. ما امروز به اتحاد ملی و همراهی و همدلی با مسئولان نیازمندیم و خوب است بدانیم هر کدام از مسئولان در حال تلاش به اندازه وسع خود هستند.

### شخصی



زن، قلب خانه است. اگر آرام باشد، تمام خانه آرام خواهد بود. مرد خانه هر چه هم محکم، نگاهش به شماست. شما نترسید، او شجاع‌تر خواهد شد.

اخبار را خودتان پیگیری کنید و از انتقال حس آشوب به اعضای خانواده خودداری کنید.

خشم‌تان را کنترل کنید و از شنیدن صداهای مختلف در محیط اطراف خانه واکنش‌های شدید ترس نشان ندهید.

اگر می‌ترسید، در پیشگاه الهی بترسید و اگر نگرانی هست، به مناجات با خدا پناه ببرید؛ ولی برای خانواده لب‌خند بزنید و آرامش را هدیه دهید.

سر در خانه‌تان پرچم ایران نصب کنید.

به پروتکل‌های امنیتی پایبند باشید.

## مامان خانم این‌ها یادت باشد

فاطمه تکلوا مادران به عنوان هسته مرکزی خانه و مدیران خانواده، می‌توانند در شرایط بحرانی نقش‌های کلیدی داشته باشند. در ادامه به این نقش‌ها و راهکارهایی برای انجام آن‌ها اشاره کرده‌ایم.



## خانوادگی



مثل همیشه و به روال عادی زندگی کنید.

نگذارید حال خانه به هم بریزد.

مادر بمانید، زن بمانید و خانه را و خانواده را در آغوش بگیرید.

در خانه، موسیقی حماسی گوش کنید و از پایداری، مقاومت و جهاد حرف بزنید.

از خاطرات جنگ بگویند که چگونه نسل قبل، کشور را در برهه های سخت، نجات داده و به دست ما سپرده است.

به دخترهایتان یاد دهید که آن ها هم نقش آفرین باشند و در کارها به شما کمک کنند.

با بچه ها صحبت کنید، از امنیت ملی و داخلی بگویند و نگذارید بترسند، یکی از وظایف شما این است که قهرمان پروری کنید.

در خانه، پیروزی های تحقق وعده صادق را جشن بگیرید و شادی کنید.

صدقه بدهید.

## اجتماعی



ندری های خوشمزه بپزید و چون کمی وضعیت خاص است، فقط به خانواده هایی بدهید که شمارامی شاسند و اعتماد دارند.

نذر صلوات بردارید و مثلاً در یک گروه مجازی خانوادگی، تعداد صلوات ها را تقسیم کنید.

از مسئولیتی بگویند که بر دوش ماست، از عشق عاشورایی و ظهوری سبز بگویند که در سینه ماست، از وطن، از ایران و از امنیتی بگویند که ثمره خون شهیدان است.

سفره ندري پهن کنید و همین همسایه های ساختمان خودتان را دعوت کنید تا بیايند و دور هم برای نابودی اسرائیل دعا کنید.

## اقتصادی



هزینه های ضروری مانند مسکن، خوراک، بهداشت و درمان را در اولویت قرار دهید و برای آن ها بودجه بندی کنید.

هزینه های غیرضروری مانند تفریحات، خرید کالاهای لوکس و اشتراک های غیرضروری را کاهش دهید.

مقداری از درآمد خود را برای پس انداز و سرمایه گذاری کنار بگذارید.

از خرید های غیرضروری پرهیز کنید.

## بهداشتی



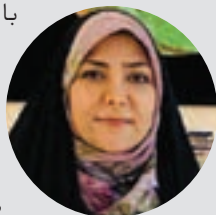
بهتر است کیفی از داروهای مورد نیاز در شرایط اضطراری و برخی اقلام بهداشتی را آماده کنید و کنار بگذارید، مسکن ها و داروهای بیماری های خاص در اولویت هستند.

ابزاری مانند دماسنج، انبر، قیچی کوچک، ضد عفونی کننده از جمله بتادین و الکل، گاز استریل، بانداژ و چسب زخم همراه داشته باشید.

# زنان فعالان رسانه ای در بحران

+ یادداشت

فاطمه محمدزاده  
دکترای علوم سیاسی و روابط بین الملل



با نگاهی به دوران هشت سال دفاع مقدس، شاهد این هستیم که زنان در پشت جبهه، در تدارکات، پخت غذا، دوخت لباس رزم، جمع آوری کمک های مردمی و مراقبت از مجروحان، نقش مهمی داشتند. آن ها گاه شبانه روز کار می کردند تا فرزندان، همسران و پدرانشان با قوت قلب بیشتری به میدان نبرد بروند. فراتر از این در زمانه ای که اضطراب، داغ دیدگی و ناامنی روانی در جامعه رواج یافته بود، زنان با نقش های مادری، همسری، معلمی و پرستاری، ستون فقرات جامعه باقی ماندند. آنان نگذاشتند که خانواده از هم بپاشد یا کودکان از تحصیل بازمانند و در کنار آن نیز به فعالیت های رسانه ای، فرهنگی و هنری نیز پرداختند. در آن ایام و حتی تا به امروز زنان نویسنده، شاعر، خبرنگار و هنرمند در عرصه بیان رشادت ها و ایثارگری های هشت سال دفاع مقدس، به دنبال حفظ این میراث غنی و فرهنگ عظیم شهادت بودند و با خلق آثار فرهنگی خود به روایت مقاومت و تبیین واقعیت های جنگ پرداختند. آن ها نه فقط حافظ حافظه تاریخی، بلکه سازنده گفتمان مقاومت بودند.

و اما امروز در بحبوحه حملات و تجاوز به حریم کشورمان توسط رژیم منحوس اسرائیل، بار دیگر زنان کشورمان به نقش آفرینی خود ادامه خواهند داد؛ چراکه ایران همیشه با حفظ وحدت و همگرایی مردمش، در هر نبردی پیروز بوده و شیر زنان ما همیشه در خط مقدم خانواده خود به ایفای نقش پرداخته اند؛ از قوت قلب دادن به فرزندان و همسران برای دفاع از میهن تا پشتیبانی در عرصه های مختلف، در همین راستا لازم است به چند راهکار برای نقش آفرینی بیشتر بانوان در این عرصه اشاره کنیم.

### ثبت و بازخوانی روایت زنان از جنگ

بیان روایت ها و تاریخ نگاری از جنگ ها، هویت فرهنگی یک ملت است. نوشتن و نگارش خاطرات، ساخت مستند، فیلم و تولید محتوای دوران جنگ و نقش آفرینی افراد به ویژه زنان، می تواند هم به حفظ میراث فرهنگی کمک کند و هم الگویی الهام بخش برای نسل های آینده باشد.

### نهادهای سازی فرهنگ پایداری در خانواده

با آموزش های رسانه ای یا آموزش های چهره به چهره در مساجد، محلات یا در اقوام و دوستان می توان روحیه ایثار و مشارکت را از طریق نقش های مادری و تربیتی زنان، در میان نوجوانان و جوانان نهادینه کرد.

### استفاده از ظرفیت رسانه برای بازنمایی نقش زنان در جنگ

امروز هر نفر خود یک رسانه است و زنان به جای نگرانی از روایت های حاشیه ای، دامن زدن به شایعات و ابهامات جنگ، تصویری واقعی و قدرتمند از مبارزه غیورمردان ایرانی در دفاع از میهن را می توانند به جامعه ارائه دهند. ساخت کلیپ، عکس نوشت، پادکست ها و کمپین های رسانه ای می تواند در این مسیر مؤثر باشد و روایت درستی از آنچه در جامعه در حال رخ دادن است، به تصویر کشیده شود.



# اگر می‌شود من را ببرید پیش پسر

روایتی از دلتنگی‌های مادر شهید مدافع حرم، محمود قلندری که همچنان بعد از گذشت یک دهه از شهادتش برایش جانگاہ است

لیلا جان قربان! محمود پسر اولش بود. بعدش خدایک پسر دیگر و چهار دختر به او داد. اما او بود که کمک دست خانواده بود و هر جا که پدر کشاورزش کمک می‌خواست پسر ارشد خانواده بود که قد علم می‌کرد و زیر دست پدر را می‌گرفت. محمود آقا به قول مادرش «دیگر پسری بود». خدا بعد از چهار دختر، دو پسر دیگر هم به حاج خانم داد ولی کجا این‌ها می‌شدند پسر ارشد خانواده.

قصه جبهه رفتن محمود به سال ۹۲ برمی‌گردد. زمانی که جولان داعش در سوریه به اوج رسیده بود. او به واسطه یکی از دوستانش از ماجراهای هنگ حرمت به حرم حضرت زینب (س) مطلع شده بود؛ همان رفیق دو چرخه سواری که، به گفته خواهرش و جبهه، وقتی محمود در جبهه بود، تنها او برای سرکشی به خانواده می‌آمد و احوال‌شان را می‌پرسید. این قصه بیش از دو سال ادامه نیافت و در آن سال ۹۴، محمود قلندری در حلب به شهادت رسید. شهادتش مسیری جدید به زندگی مادر و خواهرانش بخشید و عنوان بابرکت «مادر و خواهر شهید» را برای آن‌ها به ارمغان آورد.



راهی شدیم. اما به جای بیمارستان، ما را به راه آهن برد. گفت: «بروید مشهد، محمود را به یکی از بیمارستان‌های مشهد منتقل کرده‌اند.» با تا کسی راهی مشهد شدیم. صبر و قرار نداشتیم. در طول مسیر، مدام با مشهد در تماس بودیم. تا اینکه نزدیکی‌های شاهرود، متوجه شدیم که محمود شهید شده است.

مادر شهید می‌گوید: تهران که بودیم فقط می‌گفتم اگر می‌شود من را پیش پسر ببرید. ولی به جای بیمارستان بردند راه آهن. توی راه هم که این‌ها فهمیده بودند به من چیزی نگفتند. ولی خودم فهمیدم. الکی به هوای اینکه خوابیده‌اند چادر روی صورتشان می‌کشیدند و زیر چادر گریه می‌کردند. همان جافهمیدم که محمود شهید شده است.

زهر خانم دوباره می‌گوید: محمود به عنوان بچه‌های فاطمیون ثبت نام کرده و سوریه رفته بود. گفته بود مادرم ایرانی است و پدرم افغانستانی. روزی که شهید شده بود ما مانده بودیم بگوییم که ایرانی هستیم یا نه. چون همه فکر می‌کردند از اتباع هستیم. خلاصه که وقتی از بنیاد شهید آمدند، مدارک شناسایی را آوردیم و متوجه شدند که متولد تربت جام هستیم. تا قبل از آن حتی گاهی الان هم خیلی‌ها فکر می‌کنند ما اتباع هستیم البته که بد نیست ولی بعد از شهادت برادرم باید هویتش را اعلام می‌کردیم.

به شدت آسیب دیده بود و خون ریزی شدیدی از ناحیه شکم داشت. با این حال، توانسته بود با ماماس بگیرد. گفته بود که در بیمارستانی در تهران بستری است. شبانه راه افتادیم و اذان ظهر به بیمارستان رسیدیم. با اتوبوس رفته بودیم. هر چه ضجه و زاری کردم که بگذارند پسر را ببینم، اجازه ندادند. گفتند باید تا ساعت ۲ ظهر، زمان ملاقات، منتظر بمانیم. اما وقتی ساعت ۲ شد، باز هم نگذاشتند محمود را ببینم. گفتند در آی سی یو است و امکان ملاقات ندارد. فقط شنیدم که می‌گفتند از دیروز که از سوریه آمده، خون ریزی شکمش بند نیامده است. تنها یک لحظه، وقتی او را به اتاق عمل می‌بردند، توانستم ببینمش. هوشیار بود و به خواهر و برادرش که همراهم تهران آمده بودند، گفت: «نگذارید مادر گریه کند.»

زهر خانم، خواهر شهید که فرزند سوم خانواده است، می‌گوید: تا ساعت ۱۱ شب در بیمارستان منتظر بودیم. روی تابلو، مقابل نام محمود نوشته بود «ریکاوری». هر چه منتظر ماندیم خبری نشد. یکی از مسئولان تیپ فاطمیون که خانه‌اش در تهران بود، آمد و ما را به خانه برد تا فردا صبح دوباره به بیمارستان برویم. ساعت ۶ صبح، ماما بیدار شد و همه ما را بیدار کرد. از آن بنده خدا خواستیم که ما را به بیمارستان ببرد. اما تا ساعت ۸ تعلل کرد و نبرد. با اصرارهای ماما، بالاخره

## شهادتش از روزی حلال بود

قرارمان را در خانه مادر شهید می‌گذاریم. خواهران شهید نیز قرار است بیایند و همراه ما باشند. پلاک خانه را در یکی از کوچه‌های خیابان شهید با نظر پیدا می‌کنم. پارچه مشکی‌ای که سردر خانه آویزان است و در نیمه باز، ناگهان شوکه‌ام می‌کند. از عکسی که روی پارچه زده‌اند، متوجه می‌شوم که پدر خانواده به رحمت خدا رفته است. اما کی؟ نمی‌دانم.

در تردید میان رفتن و ماندن هستم که حاج خانمی در را باز می‌کند. لباس و چادر مشکی به تن دارد. از حال و هوایش می‌فهمم که این پرده، گواه از فوتی دارد که روزها از آن گذشته است. داخل که می‌شوم، معلوم می‌شود چند روز دیگر چهلم حاج غلامرضا قلندری، پدر شهید، است؛ پدری که، به گفته حاج خانم، نان حلال و زحمتکشی پای سفره آورد که خدا، پسری شهید روزی او کرد.

## نگذاشتند محمود را ببینم

نمی‌دانم چرا. ولی صحبت به روزی کشیده می‌شود که محمود شهید شد. حاج خانم محمدی می‌گوید: روی تانک مجروح شده بود. در شهر حلب، دست و پایش



## مامان، دعا کن شهید شوم

حاج خانم که حالا بعد از ۱۰ سال خاطرات محمود برایش زنده شده است می گوید: چند باری آمده بود و با من صحبت کرده بود، می گفت می خواهم سوریه بروم. می گفتم سوریه جنگ است، می گفت می دانم که برای جنگ قرار است بروم. یک روز رفت و تا ظهر نیامد. من که بلد نبودم تلفن بزنم. تا ظهر چشم به راهش بودم. وقتی آمد گفت که رفته و ثبت نام کرده است. گفتم بروی شهید می شوی! گفت مامان جان تو باید افتخار کنی اگر مادر شهید شوی. دو سال رفت و آمد تا بالاخره شهید شد. هر دفعه خودم ساکش را می بستم. وقتی خدا حافظی می کرد هر دفعه این جمله آخری بود که می گفت: «مامان، دعا کن شهید شوم». چند باری مجروح شده بود ولی آن قدر ما از همه چیز بی خبر بودیم که حتی متوجه نمی شدیم کجا بستری شده است. فقط وقتی برمی گشت آثارش را می دیدیم. اصلاً تعریف نمی کرد فقط یک بار به خواهرش و جیهه گفته بود داعش به سرپچه ها هم رحم نمی کند و هتک حرمت به سر شهید می کنند و مثل توب با آن در زمین بازی می کنند.

پسر من وقتی رفت سوریه که با سر شهیدان چنین برخورد هایی می کردند بعد یک عده می آمدند و ما را سرزنش می کردند که پسران به خاطر پول رفت و شهید شد! حتی خاطر همسایه ها بودیم که یکی از خانم ها جلوی من از آقای روضه خوان سؤال کرد مگر کسانی که در سوریه کشته شده اند هم شهید حساب می شوند! آن ها برای پول رفته اند! که حاج آقا برگشت و به آن خانم گفت شما حاضرید چند میلیون بگیرید و انگشت پسران یک زخم بردارند! دیگر از این حرف ها ننیزید. تنها مادر شهید آن جمع من بودم. متوجه شدم طرف حرفش من هستم. ولی چیزی نگفتم. از این سرزنش ها زیاد شدیم. ولی صبر کردیم و واکنشی نشان ندادیم.

## دلم را جای مادران جاوید الاثر می گذارم

شهید محمود قلندری متولد دوم شهریور سال ۱۳۵۷ بود. دیپلم علوم انسانی داشت و شغلش پولی استرکاری بود. او ۲۸ آبان سال ۱۳۹۴ در شهر حلب به شهادت رسید و در بهشت رضامشهد در قطعه فاطمیه به خاک سپرده شد. او در وصیت نامه اش خواهرانش را به حجاب و برادرهایش را به حفظ حرمت زنان چه آشنا و چه غریبه دعوت کرده بود. از آن بسیجی های فعالی بود که بعد از سربازی دو سالی را هم رفته بود مرز تایباد و آنجا خدمت کرده بود. هوای همه را داشت، به قول مادرش بعد از شهادتش خیلی ها آمدند و در خانه را زدند و گفتند تا محمود بود این کوچه امنیت داشت. و به قول خواهرش، زهرا خانم، شده بود که غذای خودش را هم ببخشد چون حواسش به همه بود. حاج خانم درباره آخرین سفر محمود به سوریه که به شهادتش ختم شد، می گوید: جلوی تلویزیون خواب بود که تلفن زنگ خورد. گفته بودند که باید بروم. تا فهمید قرار است بروم پرید هوا و گفت این دفعه دیگر شهید می شوم. نمی دانم چرا این حرف را زد. ولی تا این را گفتم، گفتم نمی خواهم بروی. دوباره همان جمله همیشگی را گفتم که افتخار کن که مادر شهید می شوی. ساکش را مثل همیشه بستم. ولی لباس هایی که گذاشته بودم را برگرداند و چند تکه بیشتر برداشت. تنقلاتی که گذاشته بودم را هم برگرداند. گفت اگر شهید نشدم و برگشتم با هم می رویم کربلا. ایام مرخصی که قرار بود برگردم مصادف می شد با ایام اربعین. قرار شد که من و پدرش را اربعین ببرد کربلا. سوریه که بود چند باری زنگ زد که برویم دنبال کار گذرنامه ها، چند روزی مانده به آمدن گذرنامه ها، خبر شهادتش را به ما دادند. من پیکر پسر را در مهدیه مشهد تحویل گرفتم و روی او را بوسیدم و به خاک سپردم ولی همیشه دلم را جای این مادر شهیدای جاوید الاثر می گذارم که پیکری هم از فرزند شهیدشان تحویل نگرفتند.

برای آن ها واقعا سخت تر است. همیشه خدا را شکر می کنم که پسر من در راه حضرت زینب (س) رفت و شهید شد. حاج خانم به دکوری که سمت آشپزخانه است اشاره می کند و می گوید: پدرش با اینکه نمی توانست راه برود روزی چند بار می گفت زیر بغلش را بگیریم تا برود و عکس محمود را ببوسد. می گفت پسر من همیشه به من لبخند می زند. خدا بیا مرز مرد زحمت کشی بود وقتی روستای کاریز نو سمت تربت جام ساکن بودیم کشاورزی می کرد و با نان زحمت کشی این بچه ها را بزرگ کردیم. محمود هر چند که اولین شهید خانواده ما بود، ولی بعد از شهادتش، برادرهایش هم خواستند بروند، ولی دیگر هویت مالورفته بود و آن ها را نبردند.

## از من نخواه که بدقولی کنم

و جیهه خانم یکی دیگر از خواهرهای شهید است. می گوید: شهادت محمود روی زندگی ما خیلی تأثیر گذاشت. به ویژه که در وصیت نامه اش روی حجاب تأکید کرده بود. بعد از آن من و خواهرهایم همه اگر خیلی سفت و سخت چادری نبودیم، چادری شدیم. به دخترهایمان هم گفتیم باید چادری باشند. من هم به برادرم و هم به خودم که حالا دیگر خواهر شهید هستم افتخار می کنم. انگار یک جایگاه ویژه به من داده اند که باید حواسم به خیلی از رفتارها و کردارهایم باشد. حاج خانم سرش را رو به آسمان می کند و می گوید: خدا را شکر، من خوش حالم فقط دلم برایش خیلی تنگ می شود. یک وقت هایی خوابش را می بینم که به خانه آمده و خوش حال و سر حال است. کم خوابش را می بینم. نمی دانم قهر کرده یا سرش شلوغ است. زهرا خانم می گوید: برادرم از سوریه کم حرف می زد ولی یک بار که خواستم دیگر نروم، برایم تعریف کرد و گفت همان دفعه اولی که سوریه رفتیم ما را حرم حضرت زینب (س) بردند و ما آنجا عهد بستیم که تا پای جان بمانیم. حالا تو از من نخواه که بدقولی کنم.





# یک هیئت همه فن حریف

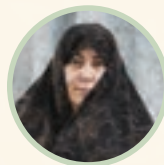
هیئت خیمه الرجا با تکیه بر توان بانوان محل توانسته است مشکلات زیادی از اهالی را حل کند و عهده‌دار مراسم‌های مذهبی با مشارکت‌های مردمی باشد

**مینوار جمند |** هیئت‌ها از همان قدیم هم نقشی اساسی در تعاملات اجتماعی داشته‌اند و تنها محل برگزاری مجالس شادی و عزاداری نبوده‌اند. از حل مشکلات اقتصادی گرفته تا احوال‌پرسی و عیادت از هیئتی‌ها و بچه محل‌ها. هرچند بسیاری جلودار هیئت‌های مذهبی را بیشتر مردان می‌دانند، اما در شهر ما هیئت‌های زیادی هستند که زنانه راه اندازی شده است و زنانه نیز فعالیت می‌کنند. یکی از آن‌ها هیئت خیمه الرجا است که شش سال از آغاز فعالیتش می‌گذرد. خیمه الرجا به معنای خیمه امید است که به همت تعدادی از بانوان در یکی از محله‌های مشهد فعال شده است. در این هیئت، علاوه بر مراسم جشن و عزاداری در مناسبت‌های مختلف، به ویژه ایام محرم، برنامه‌های تربیتی برای نوجوانان، به ویژه دختران، برگزار می‌شود. بانوان این هیئت تلاش کرده‌اند مشکلات محله را نیز با همکاری یکدیگر و پیگیری از مسئولان حل کنند. با نزدیک شدن به ماه محرم، سری به این هیئت زدیم تا بیشتر با جزئیات فعالیت‌های آن آشنا شویم.



قرار دورهمی را در خانه یکی از اهالی می‌گذاریم. همه خانم‌های فعال و نقش‌آفرین هیئت قرار است بیایند و از کارهایی بگویند که طی این سال‌ها انجام داده‌اند یا در آینده انجام خواهند داد. جالب اینکه هرکدام از بانوان اینجا مسئولیتی در هیئت دارند؛ از امور مالی گرفته تا هماهنگی، اجرا و آشپزی. دختران نوجوان نیز به عنوان خادم، در هیئت نقش‌آفرین هستند. در برنامه‌های مختلف هیئت، حدود ۳۰۰ نفر از بانوان با دخترانشان مهمان هیئت می‌شوند و برنامه به جشن ختم نمی‌شود، بلکه با مشارکت اهالی، شامی هم برای مراسم پیش‌بینی می‌شود. شامی که خود اهالی هزینه‌های آن را می‌دهند و خودشان هم آن را می‌پزند. اما ما چرا فقط به اینجا ختم نمی‌شود، بلکه آموزش نکات تربیتی، دینی و پرورشی برای دختران نوجوان و بانوان جوان نیز با حضور استادان برگزار است.

## میزبانی در خانه خواهر شهید



جلسات هیئت به جای اینکه بخواهد در مسجد یا حسینیه برگزار شود در خانه اهالی پا گرفته و چه بهتر از اینکه خانه معطر به عطر روضه شود. در میان خانه‌های این شهرک که به شهرک شیرین معروف است و پشت بازار حافظ قرار دارد، خانه خانم بجستانی جادار و بزرگ تراست. البته که باید بگوییم منزل خواهر شهید هادی سزاوار بجستانی از شهدای دفاع مقدس است. صدیقه خانم، به گفته بانوان هیئت، همیشه همراه برنامه هاست و هر زمان لازم بوده، منزلش را در اختیار قرار داده است. خودش می‌گوید: ما همه به عشق امام حسین<sup>(ع)</sup> دور هم جمع می‌شویم و چه بهتر از اینکه من خانه‌ام را در اختیار چنین برنامه‌هایی بگذارم؟ بعد به قابی اشاره می‌کند روی دیوار که عکس برادر شهید و پدر و مادر مرحومش در آن نقش بسته است. «مطمئن هستم آن‌ها

از اینکه این خانه میزبان یک هیئت عزاداری برای محرم به عشق امام حسین<sup>(ع)</sup> شده است خوش حال هستند و دعا می‌کنند. «صدیقه خانم اگر خودش هم نباشد کلید خانه را به همسایه‌های ما می‌دهد تا جلسات را در خانه برگزار کنند، اما از آنجایی که پایه‌های ثابت هیئت است هرطور شده خودش را می‌رساند. او یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های این هیئت را توجه به نکات تربیتی و آموزشی به بانوان و دختران نوجوان بیان می‌کند و این اتفاق را عاملی مؤثر در آشنایی بیشتر با مسائل تربیتی، حجاب و ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> می‌داند. ناگفته نماند که همسر خانم بجستانی، آقای صادقی، هم در همراهی این هیئت بسیار فعال است. او پدرانه و دلسوزانه در این هیئت فعال است.

## نگران دخترانمان نیستیم

از آنجایی که برنامه‌ها باید اصولی پیش برود، در این هیئت مریم عاقلی نیک مسئولیت مدیریت اجرایی و هماهنگی را برعهده دارد و این کار سنگین را با همراهی دیگر زنان محله

انجام داده است. فعالیت‌های اجرایی او به هیئت و برنامه‌های آن محدود نمی‌شود و کمر همت به حل دیگر مشکلات هم بسته است.

او می‌گوید: فعالیت‌های هیئت در این منطقه باعث شده است برخی برنامه‌های مذهبی و تربیتی که معمولاً در مساجد برگزار می‌شود، به خانه‌ها و حتی بوستان‌های کوچک محله راه پیدا کند. یکی از اتفاقات خوب ناشی از این هیئت، همراهی دختران نوجوان با مادرانشان است.

در شرایطی که بسیاری در تربیت دختران نوجوان خود با مشکل مواجه هستند، مادر دختران خود را با اطمینان به برنامه‌های تربیتی می‌سپاریم. حضور در چنین فضاهایی ارزشمند است و قطعاً نتایج مثبتی به همراه دارد. مریم خانم گلایه‌هایی هم دارد: از نبود مسجد، نانوایی و مدرسه می‌نالدم می‌گوید: با وجود پیگیری‌های زیاد از سازمان‌های ذی ربط، هیچ کمکی برای ساخت مسجد یا حسینیه یا یک مجتمع فرهنگی تربیتی یا یک مدرسه نشده است. زمین وقفی اینجا زیاد است ولی ظاهراً نیت واقف هیچ‌یک از نیازهای مانیست، حتی نانوایی!





## خودجوش و مؤثر

ساخت مسجد، مدرسه و نانوایی پیگیری‌هایی داشتیم و نتیجه پیگیری‌هایمان این بود که زمین مناسبی برای ساخت این اماکن ندارد، این در حالی است که زمین مقابل هیئت، از سوی واقفی به آستان قدس رضوی تحویل داده شده که با پیگیری‌هایمان از این نهاد متوجه شدیم که به دلیل وقف خاصی که واقف انجام داده، امکان این اقدامات نیست.

اما با پیگیری‌های هیئت زمینی، خالی به زمین خاکی فوتبال برای پسران نوجوان تبدیل شده است. همچنین با پیگیری‌هایی توانستیم با کمک نیروی انتظامی و دادستانی وقت، از تردد معتادان به این منطقه کم کنیم که کسب همه این نتایج خوب حاصل همت و پیگیری بانوان و مردم این منطقه بوده است. راه اندازی یک هیئت زنانه می‌تواند توسط تمام بانوانی که به این عرصه علاقه مند هستند صورت بگیرد، اما آنچه مهم است اتحاد و ایجاد صمیمیت میان اعضا در کنار تبلیغات برای حضور بانوان محلات در برنامه هاست. این هیئت علاوه بر برنامه‌های مذهبی و تربیتی و پیگیری مشکلات محله، مسائل خانواده‌ها را هم پیگیری می‌کند و در تمام طول سال در مناسبت‌های مختلف و به طور مستمر جلسه‌های همفکری و اندیشه ورزی با موضوعات مبتلا به جامعه نیز دارد و پیگیر ادامه تحصیل و ازدواج و اشتغال اهالی محل است.

نکته درخور توجه این است که هیئت مذهبی با برگزاری روضه خانگی کاملاً متفاوت است، زیرا هیئت دارای ساختار، چهارچوب، نظم و مشارکتی ویژه است که همین موضوع باعث قوام و استمرار برنامه‌های فرهنگی و تربیتی هم می‌شود. به نظر من تنها تشکلی که می‌تواند همه سلیقه‌ها و باورها را کنار هم جمع کند، هیئت امام حسین<sup>(ع)</sup> است و می‌تواند نقطه مشترک همه باشد.

حتماً شما هم قبول دارید که هر هیئتی یک پای ثابت می‌خواهد که همه را دور هم جمع کند و هر جا بقیه کم آوردند، بلندشان کند و بگوید بروید جلو، من پشتتان هستم! یکی که اگر لازم شد، یک جایی برای زنده ماندن هیئت، دستبندش را در بیاورد و بگذارد وسط، مثل کاری که «روشنارستمی» برای هیئت خیمه الرجا کرد. او که با دغدغه وارد این مسیر شده و هیئت را راه اندازی کرده است از فعالان حوزه رسانه و پژوهشگر حوزه زنان است و سال‌ها به آسیب شناسی و تلاش برای حل مشکلات و مباحث حوزه زنان پرداخته است درباره شروع فعالیت هیئت می‌گوید: ساکن این محله نیستم ولی وقتی با این محله آشنا شدم و دیدم که نه تنها مسجد و مدرسه حتی امکاناتی مانند نانوائی ندارد و از نظر امنیتی هم شرایط خوبی برای زنان و به خصوص دختران نوجوان ندارد، تصمیم گرفتم خودجوش وارد شوم و اقدامی مؤثر انجام دهم. البته که مردم اینجا هم خالصانه برای اهل بیت<sup>(ع)</sup> قدم برمی‌دارند.

او که سال‌ها پیش، چند روز مانده به شروع ماه محرم، هیئت خیمه الرجا را با کمک بانوان محله راه انداخته است، می‌گوید: ارتباط پررنگ میان مادران و دختران نوجوان محور اصلی فعالیت هیئت خیمه الرجاست. ضمن اینکه روابط همسایه‌ها بعد از تشکیل هیئت بیشتر شده و هوای هم را بیشتر دارند.

این هیئت فقط یک تشکل مذهبی تربیتی نیست، بلکه باعث شده در ارتقای شرایط زندگی مردم این منطقه نیز اثرگذار باشد. در طول این مدت، علاوه بر برگزاری مراسم جشن و شادی و مراسم عزاداری در ایامی مانند محرم و صفر، سعی می‌کنیم نکات مهم تربیتی را هم به دختران نوجوان آموزش دهیم. مادر دخترانی در این هیئت داشتیم که نگاه مثبتی به حجاب و نوع پوشش خود و برخی مسائل دینی خود نداشتند، اما حالا بیشتر از گذشته به این مقوله توجه می‌کنند. هم به پوشیدن چادر علاقه مند شده‌اند و هم دوستان خود را به این موضوع‌ها توصیه می‌کنند.

رستمی با اشاره به اینکه نقطه قوت هیئت، زنانه بودن آن است، می‌گوید: مادر نجیب دختر نجیب و مادر شجاع دختر شجاع پرورش می‌دهد، مادر در کنار مدیریت و برنامه ریزی در خانواده، نقش مهم تربیتی در خانواده ایفا می‌کند و نوع نگاه او باعث رشد دیدگاه‌های مختلف در فرزندان به ویژه دختران می‌شود.

اودر باره اقدامات هیئت برای حل مشکلات محله می‌گوید: ما برای

## خرج هیئت پای دل مردم



مسئولیت امور مالی هیئت خیمه الرجا به عهده الهه جلیان است، او ۳۴ ساله می‌شود که این مسئولیت را برعهده دارد و کاملاً مردمی خرج و مخارج هیئت را تأمین و جمع و جور می‌کند. الهه خانم می‌گوید: اعتقاد مادر این هیئت این است که مخارج از ارادت مردم به ائمه<sup>(ع)</sup> می‌رسد و صاحب مجلس نمی‌گذارد که کم و کسری باشد. شکر خدا همیشه هم هزینه‌ها رسیده و لنگ نمانده ایم. هیچ وقت درخواست کمک به اداره‌ها یا نهادهای مسئولان نداده ایم، اما خب این هیئت در مناسبت‌های مختلف برنامه دارد و اعضای ثابت آن حدود ۲۶۰ نفر هستند، اما از آنجایی که همیشه تأکید به پذیرایی در خور و شایسته از مهمانان سفره امام حسین<sup>(ع)</sup> داریم به پشتوانه مالی قوی نیاز داریم که امیدوارم خیرانی بیایند و گوشه‌ای از کار ما را بگیرند؛ چرا که این فعالیت فقط یک روضه و مجلس عزانیت بلکه حرکتی است برای رشد دینی مردم محله. اگر آن‌ها پای کار بیایند برنامه‌ها رنگ و بوی بهتری خواهد گرفت. ناگفته نماند که خانم‌های عضو هیئت در مناسبت‌ها و برنامه‌ها علاوه بر مشارکت یدی، مشارکت مالی هم دارند و هر کدام به اندازه توان سهمی می‌گذارند.

## پای ثابت پخت ویز



به قطع طعم غذای نذری برای شما هم تجربه‌ای است و قبول دارید که یکی از آدم‌های مؤثر در هر هیئتی آشپز آن است. اینجا این مسئولیت را الهام محمدی بردوش دارد که به گفته دیگر بانوان، دست پختش معرکه است. او می‌گوید: از زمانی که ازدواج کردم هم زمان با محرم، غذا می‌پختم و همسرم برای هیئت‌های عزاداری می‌برد ولی حالا چند سالی است که برای مراسم‌های هیئت خودمان غذای پزم، اهالی هم لطف دارند و از دست پختم تعریف می‌کنند، ولی هر دفعه تا غذا آماده شود و پذیرایی تمام، استرس دارم که نکند خراب شود، البته که دیگ را به خود صاحبش می‌سپارم و همیشه برکت کرده است. خانم محمدی و همسرش برای پذیرایی این هیئت صبورانه و مخلصانه فعالیت می‌کنند، همسرش آقای لرگی که پسرعموی شهید هم است برای خرید اقلام مورد نیاز و پخت غذای هیئت همیشه آماده است. ناگفته نماند که خانم محمدی حواسش همیشه به بچه‌های هیئت هست و برای جلسه‌ها و دورهمی‌ها هم همیشه سعی می‌کند دست پر بیاید.

## دخترانه‌هایی از جنس ارادت

حرف از نوجوانان که می‌شود با پریا صفر نژاد و مهر آسایانی، دختران نوجوان چهارده ساله‌ای که در هیئت فعال هستند هم صحبت می‌شویم. آن‌ها به گفته خودشان به عشق امام حسین<sup>(ع)</sup> به این هیئت آمده‌اند. آن‌ها به عنوان مسئول خادم‌های نوجوان فعال هستند و به امور پذیرایی و دعوت از بانوان محله برای حضور در مراسم‌های مختلف می‌پردازند. ضمن اینکه به دلیل مشغله مادران در زمان برگزاری برنامه‌های خیمه، هوای دختران کوچک‌تر را دارند و حواسشان به آن‌هاست. پریا با بیان اینکه مشتاق خدمت به مردم در برنامه‌های هیئت است، می‌گوید: این طور فعالیت‌ها را دوست دارم چون تأثیرات مثبتی در زندگی آدم دارد. نه تنها فعالیت در این هیئت، مشکلی در درس‌هایم ایجاد نکرد، بلکه احساس می‌کنم عشق به امام حسین<sup>(ع)</sup> باعث شده است تا بهترین نمرات را بگیرم. مهر آسا هم یکی از مهم‌ترین اثرات حضور در این هیئت را آشنایی بیشتر با ابعاد مختلف حجاب و اهمیت آن در کنار انجام کارهای هیئت به عشق امام حسین<sup>(ع)</sup> می‌داند و می‌گوید: همیشه دوست داشتم به مردم کمک کنم و حالا با حضور در این هیئت و ارائه خدمات به بانوان و دخترانی که در مراسم‌ها شرکت می‌کنند، به این آرزویم رسیده‌ام.





# ما به هم ربط داریم

فعالان ترویج عفاف و حجاب از فرازونشیب‌های  
جهاد در این عرصه می‌گویند

زهرا شریعتی اهر کدام از یک جای شهر هستند؛ ظاهر او را نزدیک، روحیات، زندگی، شرایط و مشکلات خاص خود را دارند اما یک دغدغه مشترک و مقدس آن‌ها را به هم گره زده است: دغدغه‌ای به نام بی‌تفاوت نبودن، خیر همه را خواستن، خدمتگزاری به امام و در نهایت زمینه‌سازی برای ظهورش با انتظاری پویا و نه منفعل؛ در کنار همه مشغله‌هایشان به عنوان مادر و حتی مادر بزرگ، شده‌اند سربازان جبهه عفاف و حجاب؛ هم خانواده را دارند و هم فعالیت اجتماعی را؛ با یک دست گهواره تکان می‌دهند و با دست دیگر جامعه‌سازی می‌کنند؛ همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب در وصفشان فرمود: خانه دار اما اثرگذار و پرافتخار. این بانوان دغدغه‌مند در قالب جبهه زیست عقیقانه، خودشان دست به کار شده و هر یک به نوبه خود کاری کرده‌اند کارستان که هم بی‌حاشیه و نوآورانه است هم مفید و مؤثر.



## مادری برای همه

بی‌بی طلعت آفتابی ۵۸ سال سن در قالب تشکل شهید ابراهیم هادی، پای کار آمده است؛ همه دخترها برایش مثل دختران خودش عزیز و ارزشمند هستند؛ به همین دلیل بعد از اغتشاشات سال ۱۴۰۱ همراه همسرش این تشکل را زیر نظر ستاد امریه معروف و نهی از منکر به راه انداختند تا در حد توان برایشان کاری کنند «هر چند مکان ثابت و امکاناتی نداریم ولی محل اصلی فعالیت گروه ما، پارک تقاطع شاهد و امامیه است که تاپیش از راه اندازی تشکلمان همیشه هنگام پیاده روی، معضلاتش را می‌دیدم و غصه می‌خوردم. یک روز در هفته در مجتمع تجاری اکسیر هم مستقر می‌شویم. میز فرهنگی را در طبقه اول دایر می‌کنیم که روی آن دل نوشته، بسته‌های شکلات حاوی پیام شهدا و کارت‌های احکام بانوان قرار دارد.



در هر یک از طبقات دیگر نیز، دو نفر از اعضای گروه مستقر می‌شوند و محترمانه و با ملاحظه به رعایت حجاب دعوت می‌کنند و بسته‌ها را هدیه می‌دهند. واکنش‌ها متفاوت است، اما اغلب همراهی می‌کنند؛ برخی خودشان سراغ میز می‌آیند، بسته برمی‌دارند و با دیدن کارت‌های احکام، سؤال می‌پرسند، تعداد کمی هم جلوی چشم ما پاره می‌کنند و دور می‌اندازند. او و همکارانش که کاملاً جهادی و بدون هیچ چشم داشتی عاشقانه به دنبال آگاه‌سازی بانوان هستند، از هر فرصتی حتی پخش سرودهای مناسبی در

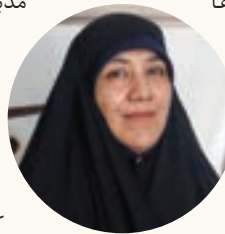
به صورت خودجوش فعالیت‌هایی داشتیم اما دوست داشتیم در جامعه و به صورت حضوری هم باری از زمین بردارم؛ این شد که سال ۱۴۰۰ در حالی که چهار فرزند داشتیم، تشکل ملت امام حسین (ع) را در ستاد امریه معروف و نهی از منکر به ثبت رسانده و از امام رضا (ع) خواستیم راهنمایی کنند در زمره یاران امام زمان (عج) قرار بگیریم؛ چیزی نگذشت که با تشکل‌های مردمی فعال در حوزه عفاف و حجاب آشنا شدم و دوره‌های

پارک برای جلب توجه عابران استفاده می‌کنند؛ «هر روز عصر که پارک می‌روم، سرود و موزیک‌های مناسبی پخش می‌کنم؛ تعداد اندکی که خوششان نمی‌آید، پارک را ترک می‌کنند ولی اغلب دوست دارند و حتی به همین بهانه سمت نمازخانه می‌آیند. همیشه به دخترهایم می‌گویم ماکنار هم هستی نه رودرو؛ شما که این همه محاسن داری، با رعایت حجاب، محاسن بیشتر و کامل می‌شوند. به پسرهایم می‌گویم این‌ها خواهرانتان هستند، باید مراقبشان باشید و نسبت به آن‌ها غیرت به خرج دهید.

با آن‌ها هم که سیگار می‌کشند، صحبت می‌کنم، معمولاً سیگارشان را دور می‌اندازند؛ می‌گویند به خاطر مشکلات است، من هم می‌گویم خوب شما که با سیگار کشیدن داری مشکلات را بیشتر می‌کنی هم برای خودت هم دیگران، در مجموع نوع صحبت و رفتار خیلی مهم است، کم نیستند افرادی که آخر گفت و گویمان همراه و حتی با ما دوست می‌شوند ولی از نا ملائمت‌هایی که دیده‌اند گلایه‌مندند».

## متدینان بی‌تفاوت نباشند

مدیر توسعه کنشگری جبهه مردمی زیست عقیقانه، مدیر کانون زمینه‌سازان ظهور، مربی عقیدتی ناحیه یاسر، عضو شورای اجتماعی محله، مدرس امریه معروف و نهی از منکر و با زرس سابق اصناف تنها بخشی از مسئولیت‌های الهه مقدسیان، کارشناس جامعه‌شناسی و بانوی دغدغه‌مند دیگر این جمع است که با سه فرزندش برای مصاحبه آمده اما مادر پنج فرزند است؛ «از سال ۹۷ در فضای مجازی





در مراکز خرید  
وقتی می بینیم  
خانم های چادری  
کنار همسرشان  
با نوعی حس  
انزوا و اذیت راه  
می روند، می رویم  
جلو و به همسرش  
برای داشتن  
چنین خانم  
محبوبه ای تبریک  
می گوئیم

به دستش دادم. رفت کمی آن طرف تر؛ دیدم مدام به کارت و به من نگاه می کند! بالاخره با چهره ای غرق اشک آمد و گفت من به تازگی متوسل شدم به امام رضا<sup>(ع)</sup> و گفتم چه کار کنم از من راضی باشید؟ ولی یک هفته گذشته و خبری نشده بود؛ امروز هم با خودم در فکر بودم و داشتم به حضرت گله می کردم که همان لحظه این را از شما دریافت کردم و متوجه شدم جواب آقا است؛ همین امشب این کارت را استوری می کنم تا دوستانم نیز ببینند».

### تمرکز روی ایده های نو



زهرایزدی، کارشناس الهیات که در پنجاه سالگی مادر چهار فرزند و حتی مادر شوهر است، از محله طبرسی شمالی به جمع فعالان حوزه عفاف و حجاب پیوسته اما گستره فعالیتش به هاشمیه و فکوری هم رسیده است؛ این طور که می گوید همین امروز بناست تشکلیش به نام «گل های آفتابگردان» در سازمان تبلیغات اسلامی به ثبت برسد و با جذب نیرو فعالیت هایش سروسامان گیرد؛ «روال خودم و محدود همکارانی که تا به حال داشته ام، این است که در هر مکان به تناسب اقتضای آنجا عمل می کنیم؛ مثلاً در میدان شهر، ایستگاه معرفت افزایی داریم یا در مترو، میز حجاب و عفاف که

ستاد امر معروف و نهی از منکر کشور را گذراندم و مربی شدم». این طور که می گوید، مخاطب او و همکارانش در کانون زمینه سازان ظهور (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی)، دو گروه هستند؛ متدینان و کسانی که معتقد و ملتزم به حجاب هستند برای خروج از انزوای سکوت و بی تفاوتی و بانوان کم حجاب برای تبیین و آگاه سازی؛ «مردم متدین نباید از امریه معروف غفلت کنند زیرا هم یک واجب الهی است و هم در صورت ترک آن، گناه در جامعه عادی سازی و تکثیر می شود. وقتی تذکر می دهیم، دو حالت دارد یا نتیجه بخش است که مطلوب حاصل شده و یا نیست که اتمام حجت شده و تکلیف هم از ما برداشته می شود». این بانوی جوان که فرزندانش شش ماهه تا هفده ساله هستند، در سایه همراهی همسر و فرزندانش، تاکنون بیش از ۳۰۰ سخنرانی پیرامون عفاف و حجاب انجام داده و در عین حال با اعضای تشکلیش که کمتر از بیست نفر هستند، اقدامات میدانی هم دارد؛ «به بچه ها سپرده ام برای اینکه تنش ایجاد نشود، جمله ای بگویند که کمترین اذیت برای شما و کمترین دلخوری را برای مخاطب داشته باشد؛ به عملکرد فرد هم نگاه نکنید که انجام داد یا نداد. به همین دلیل اکثر بازخوردها تاکنون خوب و مؤثر بوده است».

خانم مقدسیان با اشاره به اینکه کم نیستند کسانی که با وجود آگاهی از اشتباه بودن بدپوششی، در اثر برخوردهای نادرست یا دوستان ناباب به این وضعیت گرفتار شده اند، یکی از شیرین ترین خاطراتش را این طور تعریف می کند: «در پایانه آزادی منتظر اتوبوس بودم که خانمی را با پوشش بسیار زنده دیدم؛ بی مقدمه از کارت های تلنگر آمیز احکام پوشش که یک طرفش عکس حرم امام رضا<sup>(ع)</sup> دارد،





ضمن هدیه دادن ملزومات حجاب به بهانه مناسب های مذهبی، با دختران ارتباط می گیریم.

در واقع با تمرکز روی نقاط مشترک مثل اسلام، فطرت پاک انسان، ایرانی بودن، لزوم رعایت قانون و حضور مؤدبانه در اجتماع (به عنوان حق الناس و نشانه شرافت) شروع می کنیم و به لزوم رعایت پوشش مناسب می رسیم و در آخر هم معمولاً مشتاقانه با همان پوشش محجبه شان عکس یادگاری می گیرند. با افرادی هم که فکر می کنیم احتمال مخالفت و پذیرش نشدنشان زیاد است، در قالب مصاحبه برای تحقیق وارد می شویم؛ با طرح سؤالاتی عمومی مثل اینکه هر کس را در قبر خودش می گذارند، یعنی چه؟ نظرت درباره انتقاد و پیشنهاد کردن چیست؟

این بانوی خوش فکر که ایده هایی چون احداث چایخانه همراه با میز عفاف و حجاب در سطح شهر، کافه سینما و کافه گفت و گو برای بانوان نومحجبه و مادران نگران، تمرکز روی شناخت و جبران خلأهای نوجوانان در زمینه های روحی روانی، اجرای چالش چادر و... را ارائه داده است، اخلاص، تقوا، توکل و توسل را رمز موفقیت آمران معروف می داند و ضمن تأکید بر پرهیز متدینان از بی تفاوت بودن به وضع موجود، یکی از خاطرات ماندگارش را تعریف می کند: «در فرودگاه در حالی که حمایل "ناظر حجاب" داشتم، از کنار صندلی هارد می شدم که متوجه شدم خانمی دارد درباره من با یک مهماندار صحبت می کند؛ محترمانه و با اشاره خواستم حجابش را رعایت کند که زیر لب با حس تنفر چیزی گفت؛ من باز هم اهمیت ندادم و مشغول کارم بودم که ناگهان دیدم از پشت سر یک نفر مرا برگرداند و در آغوش گرفت در حالی که به شدت گریه و عذرخواهی می کرد؛ توضیح داد که بعد از مواجهه اش با من، به امام رضا<sup>ع</sup> گفته بود که اگر پرواز مادرش به مشهد جور شود، هر چه این خانم بگوید، گوش می دهم... به انتخاب خودش همان جایک روسری برایش خریدم و راهی منزل شد. نیمه شب هم پیام داد که توبه کرده ام؛ هم کارم را که کاشت ناخن و پروتز و... بود، کنار گذاشتم هم چادری شدم».



### هدیه سفر کرپلا

مرضیه مهریزی مادری ۴۲ ساله از دیگر بانوان فعال حوزه حجاب و عفاف شهرمان است که با دغدغه یاری امام زمان (عج) وارد این عرصه شده است و توانسته دل های بسیاری را متوجه ایشان کند؛ او که طی هفت سال گذشته، مدیریت تشکل حفظ فرهنگ حاج قاسم و کانون عقیده را برعهده گرفته است، می گوید: «از کودکی همیشه برایم سؤال بود که چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟

آیا واقعا ۳۱۳ یار هنوز برایشان پیدا نشده یا خودشان نمی خواهند بیایند؟ در سی سالگی عمیقاً پی بردم که دلیل تأخیر ظهور حضرت، گناهان ما مسلمانان است؛ همان روزها خیلی اتفاقی متنی به ذهنم رسید درباره اینکه ناخودآگاه داریم با امام زمان (عج) چه می کنیم؟! فوراً نوشتم و طراحی و چاپ شد تا با عنوان دل نوشته مهدوی به بهانه های مختلف دست مردم برسد. تا چشمشان به برگه می افتاد، به پهنای صورت اشک می ریختند و نظرشان را زیر متن برایمان می نوشتند؛ در قالب این طرح که هفت سال است در پارک ها، مجتمع های تجاری و مترو انجام می شود تاکنون ۲ هزار دل نوشته به دستمان رسیده که در آن قول داده اند محجبه یا نمازخوان شوند یا آقایان نوشته اند که بیشتر کنترل چشم خواهند داشت یا بخشی از درآمدشان را در راه امام صرف می کنند».

او با شور و حالی وصف ناپذیر در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده است ادامه می دهد: «وقتی مشغول نوشتن دل نوشته ها هستم اغلب می گویند فکر می کنیم امام کنارمان هستند و داریم با خودشان صحبت می کنیم؛ ما هم بلافاصله از غربت امام و تنها بودنشان می گوئیم، گفت و گو به اینجا که می رسد، بغضشان می ترکد؛ می پرسیم دوست دارید اینجا چه قراری با امام بگذارید؟ پاسخ می دهند قول می دهم چادری شوم و هر کاری می کنم یا امام باشم؛ تا حالانی دانستیم مانع ظهور حضرت هستیم، کاش همه مثل شما معروف ونهی از منکر می کردند. آن قدر حال خوبی پیدا می کنند که دل کنند از آنجا برایشان سخت است و دوست دارند بمانند بیشتر صحبت کنیم. حتی برخی آقایان می آیند برای محجبه شدن خانمشان تشکر می کنند. از طرفی فقط به این مرحله بسنده نمی کنیم بلکه برای تعمیق عقاید و باورها آگاهی از احکام، هیئتی با حضور همین افراد که دل نوشته داده اند راه انداخته ایم با عنوان نوجوانان اندیشه ورز؛ به این ترتیب خانم هایی که تا دیروز پوشش های عجیب غریب داشتند هیئتی و اغلب میزگردان می شوند و دوستانشان را هم دعوت می کنند».

از دیگر ابتکارات خانم مهریزی و همکارانش که نتیجه خوبی به دنبال داشته است، انجام قرعه کشی کرپلا یا هدیه بن خرید از میان نویسندگان دل نوشته هاست؛ بعد از هدیه دادن روسری متبرک به کسانی که قول می دهند محجبه

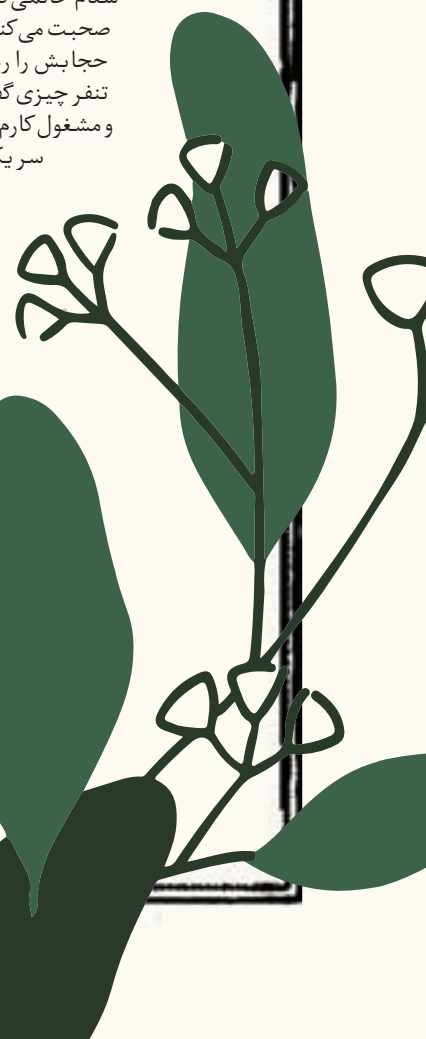
شوند، برایشان آرزو می کنند جزو برندگان قرعه کشی سفر کرپلا باشند که هزینه اش با پیگیری های مجدانه خانم مهریزی و کمک خیران تأمین می شود و تاکنون به ۱۴۰ سفر رسیده است.

### به همسرشان تبریک می گوئیم

مدیریت تشکل شهید مهدی مهدی نیا، مدیریت بانوان طرح زیست عفیفانه حرم مطهر، معاونت اول آموزش سلبی جبهه زیست عفیفانه و... این ها برخی از عناوین مسئولیت های مادری پنجاه ساله با چهار فرزند و پنج نوه است که تا همین سه چهار سال پیش، سالن زیبایی داشت؛ البته نه از آن سالن های امروزی؛ بلکه همان جا هم متفاوت عمل می کرد مثلاً چادر نماز مخصوص برای مشتریان در نظر گرفته و مقید بود عروس ها پیش از شروع کار، وضو بگیرند که بعداً مشکلی برای نماز نداشته

باشند، حواسش به نوع پوشش آن ها حتی بعد از خروج از سالن بود؛ خودش تا دم ماشین همراهی شان می کرد تا خیالش راحت باشد و این اواخر هم در صدد طراحی شلوار مخصوص عروس برای راحتی پوششان بود که قسمت نشد اجرایی شود؛ «تا سال ۱۴۰۱ به صورت فردی در سالن یا راهپیمایی ها و تجمعات فعالیت داشتم ولی بعد از آن به این نتیجه رسیدم که کار گروهی لازم است از این روسالان راجع کرده و وارد گروه های امریه معروف شدم». خانم فرجام که تاکنون علاوه بر هزینه های مالی در این مسیر، آسیب های فیزیکی هم دیده ولی همچنان با انگیزه پای کار است، تأکید می کند که در همه طرح ها سعی مان این است که افراد خودشان به ضرورت پوشش مناسب برسند.

یکی از خلاقیت های او و گروهش این است که در غرفه مترو، هم زمان با پخش موزیک های مناسبی و پذیرایی خرما یا شکلات، به افراد پیشنهاد فال (رزق) شهدایی می دهند که با استقبال و نتایج خوبی مواجه شده است؛ «در این کارت ها اغلب پیام هایی از شهدای جوان و مدافع حرم است که خانم ها معمولاً بعد از مشاهده آن اشک می ریزند و می پرسند واقعا این گفته شهید است؟ این شهید برای ما رفته است؟ بعد هم همان جا به شال و روسری شان گیره می زنند؛ حتی مواردی بوده که گفته اند دیگر خجالت می کشم با این پوششم راه بروم، چطور به منزل برگردم؟! طرح دیگرمان هم مختص خانم های محجبه است؛ زیراتقویت بازوی خودی هم اهمیت دارد و نباید از آن ها غافل بود؛ خصوصاً در مراکز خرید وقتی می بینیم خانم های چادری کنار همسرشان با نوعی حس انزوا و اذیت راه می روند (آن لحظه در مقایسه با خانم های کم حجاب احساس کمبود دارند)، می رویم جلو و به همسرش برای داشتن چنین خانم محجبه ای تبریک می گوئیم و به خانم هم یادآوری می کنیم که چادر شما اسلحه تان در جنگ نرم است تا خودش و نقشش را دست کم نگیرد؛ بعد هم با دعای خیر و حال خوبی که پیدا کرده اند، بدرقه شان می کنیم».





# ما ملت امام حسینیم

پرونده‌ای درباره نقش آفرینی زنان در عاشورا و چگونگی  
الگو برداری از این حادثه تاریخی برای مادران که به طور  
اتفاقی با حوادث اخیر عجین شد. محتوای این پرونده  
می‌تواند نقشه راهی برای ایستادگی باشد





روایت هایی درباره ۸ نقش زنانه در ماندگاری نهضت امام حسین (ع)

# الگوی برای امروز

آزاده خلیلی | ممکن است چون حرف جنگ و جهاد است چنین برداشت شود که عاشورا واقعه ای کاملاً مردانه بوده است. واقعه که نه نهضتی که میداش روز عاشورا بود و ادامه اش تا روزگار ما آمده است. ابتدا و ادامه ای که نه تنها تمام نقش هایش مردانه نبود که زنان نقش پررنگی در زنده نگه داشتنش ایفا کرده اند. نقشی که هم مهم است، هم متنوع و هم ادامه دار. در حقیقت زنان نقش آفرین در نهضت حسین (ع)، الگوهای ماندگاری هستند که کارشان متوقف به یک روز و روزگار نبود. نقش و وظیفه ای که امروز زنان شیعه میراث دار آن هستند. در ادامه با برخی از این زنان و نقش هایشان آشنایی شویم تا بهتر بدانیم چگونه باید در مسیر نهضت حسین (ع) گام برداریم و ایفای نقش کنیم.



برای یافتن این زنان باید قدمی در تاریخ برداشت و به روزگار خونین کربلا در سال ۶۰ قمری بازگشت. تاریخی که شهید مطهری درباره آن گفته است: «تاریخ کربلا یک تاریخ و حادثه مذکر-مونث است. حادثه ای که مرد و زن هر دو در آن نقش دارند؛ ولی مرد در مدار خودش و زن در مدار خودش.»  
تاریخی که با کمی دقت متوجه می شویم نقش آفرینانش خیلی پیش تر از وقوعش برای حفظ و حراست از آن قدم برداشته و پس از آن نیز صحنه مبارزه را ترک نکرده اند.

## روایت گری

روایت گری یکی از نقش های مهم زنان در زنده نگه داشتن نهضت حسینی بود. و ام سلمه، همسر پیامبر (ص)، که از زنان محدث صدر اسلام بود از نخستین راویان این نهضت محسوب می شود. آمده است که او یار و مدد کار حضرت زهرا (ص) بود و پس از رحلت پیامبر (ص) برای حقانیت ایشان تلاش کرد. پیوند او با عاشورا از میراثی که پیامبر (ص) در اختیارش گذاشتند آغاز شد. گفته می شود محبت ایشان به امام حسین (ع) تا آن اندازه بود که در کودکی مراقب و پرستار ایشان بود (الثائب فی المناقب، ج ۱، ص ۳۳۰) و پس از شهادت ایشان جزو نخستین سوگواران حضرتش بود و برای روایت آنچه بر خاندان رسول (ص) رفته بود، تلاش کرد.

## پرچم داری

عاشورا جهادی بود که پرچم دارانش نام های بزرگی بودند. یک پرچم دار در عرصه میدان به بزرگی حضرت عباس (ع) و یک پرچمدار در عرصه پیام رسانی به شکوه حضرت زینب (ص). بانوی بزرگواری که به شهادت علمای دوران، فقیه بود و به گفته امام معصوم عالم بی معلم. ایشان که از ابتدای قیام امام حسین (ع) همراه ایشان بود، پس از واقعه عاشورا، پرچم قیام را در دست گرفت و با خطبه های ماندگار، مانع از فراموشی پیام نهضت حسینی شد و با مراقبت از امام سجاد (ع) چون مادر بزرگوارشان از مقام ولایت دفاع کرد و بسیاری سخنوری ایشان را یادگاری از امام علی (ع) دانسته اند.

## روشن گری

یکی دیگر از بانوانی که نامش در واقعه کربلا آمده، ام کلثوم است که در زمان اسارت از هر فرصتی برای روشن گری بهره می برد. آیتی می نویسد: «آن هامی دانستند که دشمن... با هر قیمتی که شده تاریخ شهادت امام را تحریف می کند. به همین جهت با کمال هوشیاری در هر انجمنی و در هر بازار و کوچه ای در پاسخ هر پرسشی در جواب هر فحش و ناسازی فصلی از آن چه روی داده بود می گفتند و گوشه ای از تاریخ شهادت امام را روشن می ساختند. برای همین بود که در همان روز اول ورود به کوفه، سه نفر از بانوان اهل بیت خطبه خواندند و به این فکر هم نیفتادند که چون امام چهارم در میان ماست و هم با مردم کوفه و هم با این زیاد سخن خواهد گفت دیگر نیازی به سخن گفتن ما نیست...» (بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۵۸).



## مرثیه سرایی

واقعۀ عاشورا، مرثیه جانسوز شیعه است. مرثیه ای که مرثیه سرایان بی شماری در طول تاریخ داشته است و یکی از نخستین مرثیه سرایان آن، زنان بودند. زنانی مانند «ام البنین»، مرثیه سرای پسران شهیدش بود. در مقاتل الطالبین آمده است: «ام البنین» که مادر چهار برادر کشته شده بود به بقیع می رفت و در آنجا، اندوهگین ترین و سوزناک ترین مرثیه سرایی ها را برای پسرانش انجام می داد. مردم، نزدا و گرد می آمدند و به آن مرثیه ها گوش فرامی دادند. مروان هم از جمله کسانی بود که به بقیع می آمد و به مرثیه ام البنین، گوش می داد و می گریست. «اما حضرت رباب، همسر امام حسین<sup>(ع)</sup>، زنی فاضل و شاعر بود که داغش را بازبان مرثیه زنده نگه می داشت و نامش در مرثیه سرایان کربلا آمده است.

## مشوق جهاد والگوی مقاومت

بسیار شنیده ایم که اگر تشویق و ترغیب زنان نبود شاید بسیاری از بزرگمردان پای در راه جهاد و مبارزه نمی گذاشتند. در واقعۀ عاشورا نیز زنانی مانند دلهم، همسر زهیر، این نقش را ایفا کرده اند. نقشی که در ادامه نهضت حسینی زنان بسیار میراث دار آن بوده و به همین خاطر امروزه ما نقش زنان را در ادامه مبارزه و تداوم مقاومت بسیار پررنگ می دانیم. همچنین همسر عمر بن جناده از دیگر زنان مشوق جهاد در واقعۀ کربلا بود. این زن بزرگوار پس از شهادت همسرش عمر بن جناده، فرزند جوانش را به میدان فرستاد و او را برای جهاد تشویق کرد. اما مشوقان جهاد تنها در سرزمین کربلا نبودند و زنانی بودند که در شهرهای دیگر مردم را برای یاری رساندن به امام حسین<sup>(ع)</sup> تشویق می کردند. ماریه یکی از این زنان بود که در این امر تلاش بسیاری کرد و خانه اش مدتی محل تجمع و گفت و گوی طرفداران امام حسین<sup>(ع)</sup> بود و توانسته بود افرادی را برای کمک راهی کند.

## در میدان

هر چند که در واقعۀ عاشورا، زنان در زمره مبارزان نبودند، اما در کشاکش جنگ زنانی پس از مردانشان پا به میدان نبرد گذاشته و آماده جهاد بودند. طبری می نویسد: «ام وهب (پس از اینکه شوهرش به میدان جنگ رفته بود) چماقی برگرفت و سوی شوهر خویش رفت و می گفت: «پدر و مادرم به فدایت! از پاکان، از باقی ماندگان محمد دفاع کن.» (طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۳۰) همچنین همسر جناده بن کعب انصاری که شوهر و فرزندش را تشویق به یاری حسین<sup>(ع)</sup> کرده بود و آن دو در رکاب آن حضرت به شهادت رسیده بودند خود نیز روانه میدان شد. او این گونه رجز می خواند: من پیرو زنی ناتوان و شکسته حالم، اما با ضربت خشن و سخت شمارامی گویم تا از حریم فرزند فاطمه (سلام الله علیهم) حمایت کنم. او دو نفر را به قتل رساند. امام حسین<sup>(ع)</sup> به او دستور داد برگردد و برای او دعا کرد. (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۸)

## اعلام برائت

تولی و تبری یکی از شرط های مهم برای یاری پیامبر و خاندان اهل بیت<sup>(ع)</sup> است. شرطی که مادر زیارت عاشورا هم آن را می خوانیم و هر بار تکرار می کنیم. در واقعۀ عاشورا افرادی از نزدیکان دشمن علم برائت برداشته و از این کار ننگین اعلام بیزاری کردند. به همین خاطر یادشان در تاریخ ماندگار شده است که مشهورترین آن ها همسر یزید بود. درباره همراهی نکردن این زنان از جمله در الأمالی صدوق آمده است: «خاندان حسین علیه السلام را بر یزید بن معاویه وارد کردند و زنان خاندان یزید و دختران معاویه و خانواده اش صیحه زدند و فریاد کشیدند و نوحه سر دادند.» همچنین آمده است در استقبال از کاروان اسرا، زنان کوفی با سوگواری نسبت به ظلمی که بر خاندان اهل بیت<sup>(ع)</sup> رفته بود، واکنش نشان دادند. در بلاغات النساء آمده است: جذام یا خذیم اسدی گفت: سال ۶۱ [سال شهادت حسین علیه السلام] به کوفه وارد شدم. زنان کوفه را در آن زمان دیدم که بر سر و صورت خود می زدند و گریه می کردند.

## حمایت و پشتیبانی

اما قبل و بعد از واقعۀ کربلا بودند افرادی که از مبارزان این نهضت حمایت و پشتیبانی کردند. حامیانی که حضورشان به دوام نهضت بسیار کمک کرد. در میان این حامیان زنانی حضور داشتند که با هر چه در توان داشتند، حمایت خود را از مبارزان نشان دادند و از این جهت می توانند الگویی برای مادر مسیر مقاومت باشند. یکی از این زنان «طوعه» است. بانویی که در شام تاریک مسلم بن عقیل وقتی اهل کوفه به او پشت کرده بودند، این شهید را پناه داد و با آن چه داشت از او پذیرایی کرد. همسر مختار نیز از بانوانی است که جاننش را در راه حمایت از خون خواهی امام حسین<sup>(ع)</sup> گذاشت. تاریخ یعقوبی، سرنوشت او را چنین نقل می کند: «مصعب بن زبیر، اسماء دختر نعمان بن بشیر (همسر مختار) را دستگیر کرد و به او گفت: نظرت درباره مختار چیست؟ او گفت: به نظر من او انسانی باتقوا، پاک و روزه دار بود. مصعب گفت: ای دشمن خدا! تو از کسانی هستی که مختار را از عیب، فبزامی دانی؟! سپس دستور قتل وی را داد و گردن او را زدند. او نخستین زنی بود که باز جر، گردنش زده شد.»



زهره مهانی منش، از آن هنرمندانی است که ارادتش را با رنگ و قلم ابراز می کند

# این تابلو در ماه محرم باید خلق می شد

**سرور هادیان | نکته جالب زندگی هنری و البته که ارادت قلبی به امام حسین (ع) همین است که برای خلق یک تابلوی عاشورایی، سه سال متوالی در ماه های محرم و صفر زمان می گذارد تا اثری ویژه خلق کند؛ اثری که به اعتقاد خودش حس و حال خلق آن فقط در همین ماه های عزای سالار شهیدان می توانست ایجاد شود.**

زهره مهانی منش، هنرمندی است که تجلی اعتقادات مذهبی اش را می توان در آثارش دید. شاید این گونه بتوان گفت که هر کسی به طریقی ارادتش را به ائمه (ع) نشان می دهد و او با ارتباط دلی خاصی که به امام رضا (ع) و امام حسین (ع) دارد تجلی این ارادت را با خلق آثار فاخری که آن ها را برای ماندگاری و جاودانگی، به موزه آستان قدس هدیه کرده، نشان داده است.



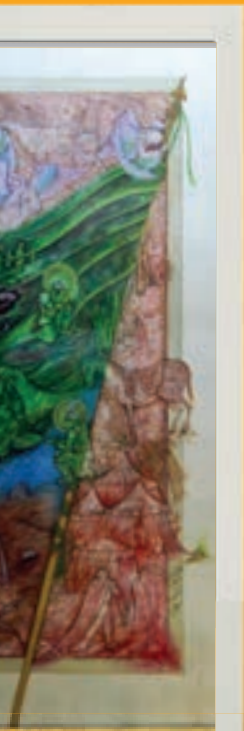
زهره مهانی منش از هنرمندان پیشکسوت در خلق آثار فاخر مینیاتور مذهبی و متولد ۱۳۳۶ در مشهد است. او دارای تحصیلات دیپلم دکوراسیون داخلی ساختمان و کارشناسی تذهیب رشته نگارگری است. هرچند در ابتدا با هنر مینیاتور آشنا نبوده و مانند همه هنرمندان جوان رشته نقاشی، نقاشی های معمولی و متداول را ترسیم می کرده، اما به قول خودش استخدام او در سال ۱۳۶۳ در آستان قدس رضوی و در کتابخانه مرکزی اتفاق ساده ای نبود و زمینه ساز بیشتری برای عرض ارادت به ائمه (ع) شده است. خودش تعریف می کند: در موزه مشغول به کار شدم. جایی که بهترین فرصت برای مطالعه بروی تفسیر قرآن و فعالیت مذهبی برای من بود. اگر چه هم زمان با کار در آستان قدس برای فراگیری بیشتر هنر در مقطعی از سال به تهران سفر می کردم و از محضر استادان حاذق بهره می بردم.

این بانوی هنرمند از استادان بزرگ و نام آشنای مختلفی چون باسط راد، اتحاد، ظریف، آلفته و مطیع مهرگان بهره برده است. هرگاه نیز به منزل استاد فرشچیان در تهران می رفته و آموزش هایی را از او دریافت کرده است. آموزش ها و نکات استاد فرشچیان به او، زمینه خلق آثار فاخر مذهبی مینیاتوری زیادی برایش شده است.

## سه محرم، سه صفر

خانم مهانی منش دارای آثار هنری فاخر بسیاری است. آخرین تابلویی که خلق کرده است اثری به نام «پرچم عاشورا» است. تابلویی که همان گونه که از نامش مشخص است به عاشورا و ارادت به امام حسین (ع) برمی گردد. همین تابلو بهانه گفت وگویی ما با او در آستانه ماه محرم شده است. از او درباره انگیزه و حسش از خلق آثار مذهبی به ویژه اثر «پرچم عاشورا» می پرسیم. اثری که سه سال در ایام ماه محرم و صفر برای آن دست به قلم و ترکیب رنگ ها بود. او برایم تعریف می کند: کودک که بودم، مدرسه نمی رفتم. پدرم پس از بازنشستگی، از مسجد که برمی گشت، داستان هایی از آفرینش و زندگی پیامبران و ائمه اطهار (ع) برای ما نقل می کرد. من عاشق این داستان ها بودم. موبه مو و صحنه به صحنه آن ها را در تخیل خودم می گنجاندم و مجسم می کردم و پرو بال می دادم. حتی این تصاویر را در خواب هم می دیدم. همیشه دوست داشتم آن ها را به تصویر بکشم. این قصه ها و تصاویر در ذهن من پرورش پیدا کرد و ماندگار شد تا زمانی که وارد هنرستان شدم. در هنرستان رشته دکوراسیون داخلی ساختمان می خواندم که سال آخر با نگارگری آشنا شدم و گمشده ام را پیدا کردم. وقتی دیپلم گرفتم و دنبال نگارگری رفتم، احساس کردم این همان هنری است که می توانم به واسطه اش ذهنیاتم را نشان دهم.

از اول آشنایی با این هنر، انگیزه ام این بود نگارگری را در راستای مذهب و دین انجام دهم. اولین کار مذهبی ام تمثال حضرت فاطمه (س) است که خیلی دوستش دارم. به مناسبت هر موضوعی تقریباً کار مرتبط انجام دادم؛ درباره حضرت مریم و عبادت ایشان، عروج حضرت عیسی (ع)، معراج پیامبر و از آب گرفتن حضرت موسی (ع) که خیلی وقت پیش انجام دادم و بعد ها افراد دیگری کار کردند. ملاقات حضرت موسی (ع) و خضر (ع). تابلوی ضامن آهو که البته به شیوه و سبک خودم بود، تمثال حضرت یوسف (ع)، تمثال حضرت عیسی (ع) و... جلد های روغنی زیادی هم دارم که در کتابخانه آستان قدس است.



تابلوی پرچم عاشورا





## ابتکاریک بانوی هنرمند برای سبک زندگی حسینی

# «خانه حسین (ع)» از دل سبک زندگی ام زاده شد

زهره شریعتی | تلفیق هنر با مضامین ارزشمند دینی یا بهتر بگوییم تبیین آموزه های دینی در قالب هنر همیشه زیبایی و درخشش خاص خود را داشته و میزان جذب و اثرگذاری را ضریب داده است؛ حال اگر این تلفیق به صورت ویژه و متمرکز در یک پایگاه هنری آن هم توسط یک بانوی هنرمند اتفاق بیفتد، جلوه ای به مراتب زیباتر و جالب تر خواهد داشت. «خانه حسین» مصداق بارز و کم نظیر چنین نوآوری است که از پیوند استودیو و حسینیه تشکیل شده و هر چند کوچک و نقلی اما از درودیوار، تزیینات، تابلوها، وسایل و ظروف تابلوهای آن همه و همه رنگ سنت، هنر و قدمت دارد و به تعبیر امروزی ها حس خوب می پراکند.

جرقه این ابتکار سه سال پیش خیلی اتفاقی در ذهن هاجر سلیمی نمین، به عنوان یک بانوی هنرمند روضه دار ایجاد شد؛ او که دکترای پژوهش هنر دارد و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء است، توضیح می دهد: «سال ها استودیویی در مجاورت خانه ام داشتم که در آن مشغول فعالیت های هنری بودم. اما از سال نیت برگزاری روضه هم داشتم و روضه ها را در منزل برگزار می کردم، اما از سال ۱۴۰۱، با تغییر مکان استودیو تصمیم گرفتم روضه ها را هم به آنجا منتقل کنم و به این ترتیب، استودیو- حسینیه هنری با نام «خانه حسین (ع)» از همان زمان رسماً آغاز به کار کرد».

این طور که می گوید خانه حسین با شعار «دل، خانه حسین (ع) است» و رویکردی هنری و نوآورانه، سعی در زنده نگه داشتن حماسه حسینی دارد و در این راستا به صورت فردی و گروهی قرارگیری ذکر و یاد امام حسین (ع) را در سبک زندگی جوانان، یادآوری و ترویج می کند؛ در این استودیو- حسینیه، تعدادی از دانشجویان و اساتید تصویرگری، نقاشی، گرافیک، نگارگری و خوشنویسی با وجه مشترک علاقه و ارادت به امام حسین (ع) گرد هم آمده اند و هسته ای را برای پژوهش، آموزش و خلق اثر هنری پیرامون هنرهای مرتبط بانبی اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، به خصوص امام حسین (ع) تشکیل داده اند.

سلیمی نمین با اشاره به اهمیت انتقال معارف دینی به نسل جوان با روش های روز تأکید می کند: «دغدغه این مجموعه، دستیابی به زبان و بیان معاصر در هنرهای مقدس و دینی برای ارتباط گیری با جوانان است؛ هنر می تواند آداب و رسوم گذشتگان برای زنده نگه داشتن یاد امام حسین (ع) را به زبان معاصر ترجمه کند، یعنی به آن محتوای اصیل و سنتی، صورتی نوگرایانه دهد تا بتواند با مخاطب جوان معاصر ارتباط برقرار کند».

جلسات ختم قرآن و چله نشینی، برگزاری روضه و دوره های آموزشی، برایی نمایشگاه و تولید محصولات کاربردی هیئت از دیگر فعالیت های حضوری و مجازی این مجموعه است و علاقه مندان و دنبال کنندگان فعالیت های آن نیز، شبکه ای تشکیل داده اند که در رویدادهای حضوری به خصوص روضه ها گرد هم جمع می شوند و از دستاوردهای مجموعه دیدن می کنند.

این مادر ۴۴ ساله که عضو پیوسته انجمن تصویرگران کتاب کودک ایران نیز هست، درباره میزان شباهت خانه خودش به «خانه حسین (ع)» و چگونگی ترویج معارف حسینی توسط بانوان و مادران، معتقد است: «شباهت خانه ام به «خانه حسین (ع)»، مانند شباهت فرزند به مادر است؛ چرا که خانه حسین روزگاری جزوی از خانه خودم بود و از دل خانه و سبک زندگی خودم زاده شد. خانه ما وقتی خانه حسین می شود که امام حسین (ع) در آن مکرر یاد شود و این حقیقت به نوعی با سبک زندگی مان ارتباط پیدا کند. زنان و مادران تأثیر زیادی در شکل دهی به سبک زندگی خانواده و فرزندان شان به عنوان نسل امروز و آینده دارند؛ به عنوان مثال مادرم یادمان داده بود بعد از نوشیدن آب، بگوییم "سلام بر حسین".

کافیست مادرها این دست آموزه ها را به همین سادگی به نسل بعدی منتقل کنند تا شاهد بالیدن این معارف در ذهن فرزندان و بروز و ظهورهای

بایرکت آن در زندگیشان باشند. برگزاری روضه با اعضای خانه، یا فامیل و حتی دوستان و آشنایان نیز از دیگر راه هایی است که می تواند به یک رسم نیکو و ماندگار در خانواده تبدیل شود».

خانواده تبدیل شود».

خانواده تبدیل شود».

خانواده تبدیل شود».

خانواده تبدیل شود».

خانواده تبدیل شود».

خانواده تبدیل شود».

خانواده تبدیل شود».

خانواده تبدیل شود».

## تابلویی برای یک روز

حرف به تابلوی پرچم عاشورامی رسد؛ او درباره این اثر می گوید: اما درباره تابلوی پرچم عاشوراکه سال ۹۹ آن را به موزه اهدا کردم باید بگویم که در این اثر واقعه روز عاشورا را بر روی یک پرچم به تصویر کشیده ام که شامل شهادت حضرت علی اصغر (ع) و حضرت علی اکبر (ع)، وداع امام حسین (ع) با اهل بیتشان و حرکت کاروان اسرا به سمت شام است. مدت زمان خلق این تابلوی هنری سه سال و ابعاد این تابلو ۸۰ در ۶۰ سانتی متر با زمینه پتینه آکریلیک و با آبرنگ و گواش نازک کاری شده است. من سه سال متوالی در ایام محرم و صفر برای کشیدن این اثر زمان گذاشتم. یعنی درست ماه محرم و صفر پای این تابلو نشستم و آن را با حس و حال خاصی کشیدم. چون حسم این بود این اثر باید فقط در این دوماه خاص از سال کشیده شود و به یادگار بماند.

در اثر هنری پرچم عاشورا عناصر خوب و بد را با رنگ های متفاوت نشان داده است و رنگ اصلی پرچم سبز است. خالق این اثر درباره اهدای این اثر می گوید: بهترین و امن ترین جایی که برای تابلو پیدا کردم، موزه آستان قدس رضوی بود. جایی که می دانستم ارزش معنوی اثر حفظ خواهد شد.

او بسیاری از آثار خود را وقف موزه رضوی کرده است. اکنون دواثر از این بانوی هنرمند در موزه مرکزی آستان

قدس در معرض نمایش قرار دارد. همچنین تابلوی حدیث سلسله الذهب یکی از آثار او است که در گنجینه هنرهای تجسمی موزه آستان قدس رضوی قرار دارد.

## هدیه همه تابلوها به امام رضا (ع)

او نقش ارادت به ائمه اطهار (ع) را در همه زندگی اش باور دارد تا جایی که در خاطره ای از شدت یافتن مجدد بیماری مفصلی که از دوران کودکی با آن دست و پنجه نرم می کرده برایم تعریف می کند و اینکه در همان دوران سخت نیت می کند که همه تابلوهایش را به امام رضا (ع) اهدا کند. بعد از چند روز بحران بیماری می گذرد و به گفته خودش شفا پیدا می کند و تابلوهایش را به امام مهربانی ها هدیه می کند. البته که همچنان در حال خلق تابلوهای فاخر مذهبی است چون معتقد است هر فردی به گونه ای ارادتش را به این خاندان باید ابراز کند.

مهانی منش درباره تابلویی که در حال خلق آن است، می گوید: تابلوی جدیدی در دست دارم که در همین

دورانی که افتخاری در موزه آستان قدس کار می کنم، مشغول آن هستم. نام این اثر

«إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النِّجَاةِ» است که

این اثر هم متعلق به موزه آستان قدس خواهد بود.

دیگر آثار مذهبی فاخر زهره مهانی منش شامل تابلوهای

معراج حضرت محمد (ص)، حدیث سلسله الذهب،

شهادت امام رضا (ع)، حضرت فاطمه (س) و گل یاس، تصاویری

از شهادت حضرت علی (ع) است.

است.

است.

است.

است.

است.

تابلوی حدیث سلسله الذهب





گفت‌وگو با منصوره مصطفی‌زاده، نویسنده کتاب‌های «قهرمانان کربلا»

# مادران؛ سربازان نامرئی مکتب عاشورا

نسرین نقدی ادر آستانه ماه محرم، سؤالی که خانواده‌ها را درگیر می‌کند این است: چگونه می‌توانیم مفاهیم عمیق عاشورا را به کودکانمان منتقل کنیم. به گونه‌ای که این داستان‌ها تنها یک روایت تاریخی نباشند، بلکه منشأ عشق، تعهد و فضیلت در زندگی‌شان شوند؟ در این میان، مادران به عنوان اولین و مهم‌ترین مربیان معنوی، نقش بی‌بدیلی در نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی و عاشورایی دارند. اما چگونه می‌توان این پیام‌ها را بدون ایجاد اضطراب و بازبانی ساده، در دل کودکان جای داد. برای یافتن پاسخی عملی و الهام‌بخش، با خانم منصوره مصطفی‌زاده، نویسنده مجموعه دوازده جلدی «قهرمانان کربلا» گفت‌وگو کردیم. این مجموعه، یازده قهرمان کربلا را با زبانی کودک‌پسند معرفی می‌کند. هر جلد، یک فضیلت اخلاقی از قبیل شجاعت، معذرت‌خواهی تا تعهد به حق را در قالب داستانی ساده و پویا به کودکان منتقل می‌کند. بخش «بیا با هم فکر کنیم» نیز با طرح سوالات تأمل‌برانگیز، کمک می‌کند تا این فضیلت‌ها در ذهن کودک تثبیت شوند.

**خانم مصطفی‌زاده؛ با توجه به شخصیت‌های عاشورایی، معیار شما برای انتخاب قهرمانان خاص کربلا چه بود؟ آیا ویژگی مشترکی در آن‌ها می‌دیدید که برای کودکان الهام‌بخش باشد؟**

تمام شهدا و شخصیت‌های کربلا مظهر فضائل متعددی هستند؛ از جمله خود حضرت امام حسین (ع) که مجموعه‌ای از تمام کمالات را در خود جای داده‌اند. تا بقیه شهدا که هر یک فضایل منحصر به فردی دارند. اما در انتخاب این قهرمانان خاص مهم این بود که فضیلت هر شخصیت به گونه‌ای باشد که کودکان بتوانند آن را درک و در زندگی خود تکرار کنند.

در واقع، وقتی برای کودکان خردسال یادانش آموزان اوایل دبستان قصد داریم یک الگوی اخلاقی معرفی کنیم، باید آن الگو را به شکلی معرفی کنیم که کودک احساس کند: «من هم می‌توانم مسیر این شخصیت را پیمایم».

یعنی مسیری که این شخصیت طی کرده است برای کودک تکرارپذیر و تجربه‌شدنی باشد. مثلاً نمونه پیامبر (ص) بودن امام حسین (ع) یک فضیلت ذاتی و تکرار نشدنی است، چون نسبت فامیلی ایشان نه امکان انتقال دارد و نه یادگرفتنی است. اما تلاش ایشان در نجات مردم از جبهه باطل و هدایت آنان به سمت حق، یک فضیلت تکرار شدنی است. می‌توانیم به کودکان بگوییم هرگاه فردی را دیدی که در

مسیر اشتباه است، مثل امام حسین (ع) تلاش کن و او را راهنمایی کن.

یا به طور نمونه درباره حضرت ام‌البنین (س)، فضیلت احترام ویژه به فرزندان حضرت زهرا (س) و خاندان پیامبر (ص) به عنوان الگویی تکرار شدنی انتخاب شد.

کودکان می‌توانند این احترام را در رفتار با خانواده، معلمان یا افراد برجسته جامعه خود تجربه کنند. در نهایت، هر شخصیت انتخاب شده فضیلتی داشت که محتوایی با امکان بازگویی و عملی در زندگی روزمره کودکان داشته باشد. این رویکرد باعث می‌شود کودک احساس کند: «من هم می‌توانم مثل این قهرمان عمل کنم».

**به عنوان مادرانی که دغدغه انتقال مفاهیم عاشورا را داریم، چه ایده‌هایی برای روایت قصه‌های کربلا برای خردسالان اندیشیدید؟**

نکته‌ای که اشاره کردید یکی از دغدغه‌های جدی ما است. وقتی درباره خردسالان یا کودکان دبستانی صحبت می‌کنیم، آن‌ها اغلب شاهد اولین داستان‌های خشونت‌آمیز دشمنان امام حسین (ع) زندگی‌شان از طریق مجرم و داستان کربلا می‌شوند. اگر این موضوع‌ها به شیوه‌ای نادرست روایت شوند، احتمال ایجاد اضطراب یا ترس شدید در ذهن کودک بسیار بالاست. بنابراین، راه حل ما این بوده که به

جای تمرکز بر جزئیات خشن و دردناک کربلا، فضای داستان را با محوریت فضایل قهرمانانه شکل دهیم. مثلاً درباره شخصیت حרבین یزید، به جای روایت جنگ، روی تصمیم قهرمانانه‌اش تأکید کردیم. فردی که در ابتدا در جبهه باطل قرار داشت، اما در صحنه عاشورا پشیمان می‌شود، معذرت می‌خواهد و در نهایت در راه حق شهید می‌شود.

این داستان به کودکان یاد می‌دهد که شجاعت معذرت‌خواهی حرو تغییر مسیر زندگی نیز یک فضیلت تکرار شدنی است. در این روایت هیچ نشانه‌ای از ترس وجود ندارد، بلکه روح حماسه و انسانیت مطرح است.

درباره شهادت قاسم (ع) هم همین اصل را رعایت کردیم. به جای توصیف جزئیات دردناک جنگ، داستان را از زمانی شروع می‌کنیم که قاسم (ع) تصمیم می‌گیرد از امامش دفاع کند. در روایت داستان حضرت قاسم (ع) برای کودکان، تمرکز ما بر منش





## چگونه مادران با تقویت صفای باطن، نسل آینده را به روحیه عاشورا مجهز کنند؟

### معماران نسل عاشورایی



در آستانه ماه محرم، سؤال بسیاری از مادران این است که چگونه ارزش های حسینی را در قلب کودکانمان ریشه دهیم؟ حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان، اندیشمند حوزه دین و اخلاق، در یادداشتی به اهمیت صفای باطن به عنوان ستون تقوا و ایمان اشاره کرده است. این مفهوم، نه تنها در مقاومت در برابر ظلم و نابودی فرهنگ غربی، بلکه در تربیت نسلی آزاده و متعهد به عاشورا، نقش کلیدی دارد. مادران، با عنوان اولین مربیان معنوی خانواده، باید این صفای باطن را در روابط روزمره، مراسم محرم و آموزش هم دینی برای کاشت بذر صفای باطن در قلب کودکان و نقش مادران در این مسیر را بررسی می کنیم.

#### صفای باطن؛ راز بقای مقاومت و تربیت نسلی شهیدسالار

تقوا، تعبیر دیگری از صفای باطن است. کسی که صفای باطن داشته باشد، تقوا را رعایت می کند و تقوا، علامت داشتن صفای باطن است. تقوا هم علامت صفای باطن است، هم آورنده صفای باطن است. اگر دلتان نمی آید ظلم کنید، یعنی با تقوا هستید. اگر دلتان نمی آید نسبت به مظلوم بی تفاوت باشید، یعنی با تقوا هستید. ایمان، حکایت دیگری از همین صفای باطن است. جنایت هایی که آدم های قسی القلب از کنارش راحت رد می شوند، آدم های رقیق القلب و باصفایی مثل شهید سید حسن نصرا... نمی توانند بی تفاوت از کنارش رد شوند و ایستادگی می کنند. او می توانست کنار بکشد و بگوید که به ما ربطی ندارد، به ما که حمله نکرده اند ولی صفای باطنش اجازه نداد. شهید را دیده اید که چه حدی از صفای باطن در وجودشان موج می زند سردار سلیمانی صفای باطنی داشت. ما دنبال این صفای باطن هستیم. باید صفای باطن، مهم ترین عامل تعیین کننده در حیات بشر قرار بگیرد، نه چیز دیگری. ما الان در دوران آخرالزمان به سر می بریم و باید صفای باطن خودمان را افزایش دهیم؛ چون می خواهیم به محضر حضرت ولی عصر<sup>(عج)</sup> برسیم و این خیلی مهم است.

#### روحه و زیارت عاشورا؛ تربیتگاه اخلاق حسینی برای کودکان

در این زمان برای اینکه بخواهیم وجه الله الأعظم را زیارت کنیم و لیاقت پیدا کنیم از محضرشان بهره ببریم، نیاز داریم صفای باطن پیدا کنیم. خداوند راه انفاق را باز داشته است تا هر کس خودش را نشان دهد. شما وقتی شروع می کنید به کمک کردن، صفای باطنتان افزایش پیدا می کند. وقایع آخرالزمان می خواهند صفای باطن ما را افزایش دهند تا به خدمت حضرت که می رسیم لایقش باشیم، حضرت را درک کنیم و به حضرت شک نکنیم. رنج های شخصی مان هم همین طور است، می خواهند صفای باطن ما را افزایش دهند. اگر ما رنج ها را با آدایش پشت سر بگذاریم، رنج هایی که برای ما پیش می آید همه می خواهند در مارقت قلب ایجاد کنند. روضه، یکی دیگر از عوامل بالا بردن صفای باطن است. گریه کردن در غم ها و رنج های اهل بیت<sup>(ع)</sup>، یک جلوه از صفای باطن است. عالی ترین روش برای افزایش صفای باطن روضه است. یکی از بهترین اذکار برای افزایش صفای باطن، زیارت عاشورا است. در زیارت عاشورا لعن و نفرین نسبت به دشمنان و قاتلان امام حسین<sup>(ع)</sup> وجود دارد. این تبری، صفای باطن انسان را افزایش می دهد.

#### با صفای باطن زندگی کنیم

صفای باطن را در خانواده بیاورید. زن و شوهر از هم حساب نکنند، با صفا زندگی کنید. اگر در عالم رفاقت، صفای باطن بیاید، چه می شود؟ صفای باطن در زندگی اداری، نقصان و کم کاری ها را جبران می کند. اگر در محیط هایی مثل مدرسه صفای باطن ایجاد شود و دانش آموزان با صفای باطن با معلم زندگی کنند، معلم به دانش آموز می گوید هر موقع بلد بودی بیامتحان بده. بعد هم برگه ات را خودت تصحیح کن و نمره بده. این کار باعث تقویت صفای باطن می شود و آثار عجیبی خواهد داشت که البته خیلی با آن فاصله داریم. مادر در ارتباط با کودکان صفای باطن دارد. خدا این را در وجود مادر گذاشته و برای خدا هم خیلی ارزشمند است. این مادر هر بار که بچه اش را شیر می دهد، مثل روز اولی که به دنیا آمده از گناه پاک می شود.

#### پیاده روی اربعین؛ مدرسه عاشورایی برای کودکان جامعه

در اربعین، یک زندگی مبتنی بر صفای باطن را می بینید. پذیرایی موکب ها را دیده اید؟ زندگی مبتنی بر صفای باطن یعنی هر چقدر میل داری، خواهش می کنم بیا و غذا میل کن! اصلا صفای دیگری دارد. این ها همان چیزهایی است که آن را ایمان و تقوای نامیم. حاکمیت... یعنی چی؟ یعنی اینکه... تبارک و تعالی، این را از ما می خواهد که خودش صفادهنده دل ها باشد و صفای باطن، تنظیم کننده امور باشد. خودش وجه مشترک انگیزه دل های آدم های مختلف باشد. همه به خاطر او و به عشق او، روابط خود را تنظیم کنند.

قهرمانی اوست، نه بر جزئیات دردناک جنگ. مادر باره نحوه شهادتش در کربلا سخن نمی گوئیم، بلکه از لحظه هایی صحبت می کنیم که اینارو تعهد او به حق و امامش مشهود بود. برای مثال، داستان را از دوران جنگ جمل شروع می کنیم.

حضرت قاسم شجاعت و دلاوری را از جد بزرگوار خود حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> به ارث برده بود و فرزند امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup>، مرد روزهای سخت تاریخ، بود و حضرت قاسم هم دنباله روی همین حرکت قهرمانانه است. دفاع از امام به هر قیمتی. در واقع به کودک پیامی کلیدی می دهیم که قد و سن مهم نیست؛ بلکه این تعهد و شجاعت است که انسان را قهرمان می کند.

این روایت، ذهن کودک را با تصویری زنده از حماسه پر می کند، نه با تصاویر خشونت آمیز. فرزند شما از قاسم<sup>(ع)</sup> یاد می گیرد که وظیفه انسان در برابر حق، تسلیم نشدن است؛ حتی اگر تمام ابزارهای جسمی یک جنگجور نداشته باشد. این شیوه، فضیلت دفاع از حق و روحیه قهرمانی را در کودک تثبیت می کند، بدون اینکه از جزئیات دردناک شهادتش احساس ترس یا اضطراب کند.

**با تجربه ای که از ارتباط کودکان با این مجموعه دارید، چه توصیه ای به مادران برای استفاده از این کتاب ها دارید؟ مثلاً چگونه می توانیم پیام «شهادت پاداش فضیلت هاست» را در زندگی روزمره کودکان جاری کنیم؟**

پیشنهاد من این است که مادران هنگام روایت عاشورا، روی حرکات حماسی و فضایل انسانی تمرکز کنند، این شیوه باعث می شود کودک از داستان الهام بگیرد، نه اینکه از آن بترسد.

در این کتاب ها، شهادت را نه به عنوان یک مرگ یا آسیب، بلکه به عنوان پاداش فضیلت ها روایت کردیم. این یکی از مهم ترین پیام های این مجموعه است. وقتی از یک قهرمان کربلا حرف می زنیم، ابتدا تمام اتفاقاتی را که به رفتار قهرمانانه اش منجر شده است تعریف می کنیم؛ معذرت خواهی، تلاش های طولانی مدت، مقاومت در برابر ظلم و اقدامات شجاعانه. سپس به کودک می گوئیم: این شهادت، جایزه تمام عمر تلاش این آدم است. جایزه اش این است که در کنار امام حسین<sup>(ع)</sup> در بهترین جای بهشت باشد. این رویکرد به کودکان کمک می کند شهادت را نه به عنوان یک پایان تلخ، بلکه به عنوان هدفی بزرگ در زندگی خود تصور کنند. آن ها می فهمند که اگر تمام عمرشان را صرف تلاش برای حق و عدالت کنند، جایزه شان حضور در کنار امام حسین<sup>(ع)</sup> و بهترین مخلوقات خدا خواهد بود. این چشم انداز، انگیزه ای عمیق برای رشد اخلاقی و معنوی کودکان است.



## بررسی نقش زنان؛

در تربیت دینی کودکان و الگوبرداری از بانوان کربلا در گفت و گو با دکتر غروی نایینی

# بانوان کربلا، الگوی زندگی

چگونه ایمان و استقامت را به فرزندان منتقل کنیم؟

مریم احمدی در آستانه ماه محرم، زمانی که یاد و خاطره خاندان عصمت و طهارت در فضای جامعه پرنگ تر می شود، سؤال مهمی که ذهن بسیاری از والدین را مشغول می کند، این است: چگونه می توانیم از این الگوهای والا، بهترین بهره را در عمل ببریم؟ در گفت و گو با دکتر نهله غروی نایینی، استاد تمام علوم قرآن و حدیث و متخصص مطالعات زنان در دانشگاه تربیت مدرس، با بررسی نقش مادران در تربیت معنوی فرزندان، به ویژه در ایام محرم، راهکارها و زمینه های لازم برای این انتقال فرهنگی و ایمانی را بررسی می کنیم.

### بانوان کربلا؛ الگوهای فداکاری و مادری

دکتر غروی با تأکید بر اینکه هر فرد در مسیر زندگی برای یافتن راه روشن و بهتر، نیازمند الگو و راهنماست، توضیح می دهد: این الگو می تواند بهترین همراه و دستیار در سفر به سوی خوبی ها باشد. خداوند متعال در کتاب های آسمانی، از زندگی پیامبران و بزرگان تاریخ نمونه هایی ذکر کرده است؛ نمونه هایی که نه تنها برای ما تذکری الهی هستند، بلکه راهنمای عملی در جست و جوی زندگی بهتر و معنوی تر هستند. زنان برجسته در طول تاریخ نیز، الگوهای شاخصی

هریک از این زنان، اعم از خواهران حضرت زینب، دختران امام حسن و امام حسین (ع) و... مظهر استقامت، صبر، ایمان و فداکاری بودند.

اگر استقامت بی دریغ حضرت فاطمه زهرا (س) در حوادث پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) و وجود نداشت، حضرت زینب (س) و برادران بزرگوارش، امام حسن و حسین (ع)، چنین پایداری و ثباتی در برابر ظلم و ستم دولت های وقت نداشتند. رویکرد والای حضرت زهرا (س) پس از رحلت پدر بزرگوارشان، الگویی بی نظیر از جهاد در راه خدا، صبر و استقامت در دفاع از دین و حقیقت است که تاریخ و کتاب هائیت کرده است.

بوده اند. خانم ها آسیه (س) تا خانم حضرت فاطمه زهرا (س)، زینب کبری (س) و دیگر بانوانی که در کربلا در کنار ائمه (ع) و شهیدان اسلام ایستادند، همگی الگوهای زنده از عفت، شجاعت، صبر و ایمان هستند.

او در اشاره به نقش مؤثر و ماندگار بانوان کربلا، می گوید: زنان برجسته کربلا، اعم از حضرت زینب کبری (س) و دیگر بانوان همراه در آن سفر، نمونه های بی بدیلی از مادری الهی و تربیت فرزندان شجاع و فداکار هستند. آن مادران، به ویژه حضرت زینب (س)، فرزندان را تربیت کردند که برای ایمان و در راه امام خود جانشان را فدا کردند.

### تربیت معنوی از شیرخوارگی

این استاد علوم قرآن و حدیث یادآور می شود: نقش مادر در تربیت فرزندان، چه دختر و چه پسر، بسیار مهم و تعیین کننده است.

به ویژه در دوران جنینی و شیرخوارگی که اتصال عاطفی و روحی مادر با فرزند از هر زمان دیگری بیشتر است، روحیه و ایمان مادر به طور طبیعی به فرزند منتقل می شود. بنابراین، مادر نقشی اساسی در شکل گیری شخصیت

و آینده فرزند دارد، چه در گذشته، چه در حال حاضر و چه در آینده. از این رو، اسلام و ائمه الهی تأکید ویژه ای بر انتخاب همسر دارند، چه از منظر لذت ظاهری، و چه توجه به ویژگی هایی چون تقوا، اعتقادات محکم، خاندان پاک، توانایی تربیت فرزند و صبر و استقامت در زندگی. هدف اصلی از ازدواج، ساختن نسل های آینده ای است که بتوانند دین و تمدن اسلامی را حفظ و گسترش دهند. خداوند متعال در آفرینش انسان ها، ازدواج و پدید آمدن نسل های بعدی را هدف قرار داده است.

### والدین، اولین الگوهای معنوی فرزند

دکتر غروی با تأکید بر نقش والای والدین در تربیت فرزند، می گوید: پس از دوران شیرخوارگی که بچه وارد مراحل رشد شناختی و عقلی می شود، عملکرد مادر و پدر نقش تعیین کننده ای در شخصیت سازی فرزند دارد. والدین به عنوان اولین الگوهای رفتاری، خصوصاً در زمینه اعتقادات، عبادات و حضور در مراسم مذهبی، تأثیر عمیقی بر شکل گیری

ایمان و روحیه فرزند دارند. شرکت در مجالس اهل بیت (ع)، چه در مناسبت های شادی و اعیاد و چه در سوگواری های محرم و صفر، نقشه های معنوی عمیقی در ذهن کودک ثبت می کند. هر چه فرزند در این محیط ها بیشتر حضور یابد، اندیشه ها و عبرت های بیشتری را دریافت می کند؛ از دروس زندگی در کنار ائمه (ع) گرفته تا اتصال روحی و معنوی که ممکن است در قلب یک کودک جا بگیرد. اگر این همراهی با نیت های خوب و دعا های صادقانه والدین همراه شود، تأثیر مضاعفی در هدایت فرزند به وجود می آورد. البته که

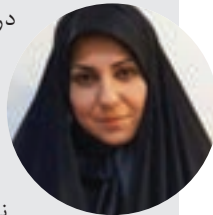




یادداشت

## این میدان نیازمند حضور خلاق زنان است

### نسیم کاهیرده، کارشناس دینی و پژوهشگر جامعه شناسی تشیع



در عصر پرتلاطم کنونی، که هویت های فرهنگی و دینی در معرض چالش های نوپدید جهانی قرار گرفته اند، جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگویی از حاکمیت مبتنی بر ارزش های دینی، مسئولیتی مضاعف در صیانت و انتقال سرمایه های فرهنگی خود دارد. در این میان، فرهنگ عاشورا، به مثابه قلب تپنده هویت شیعی، می تواند نقشی کلیدی در بازسازی و تحکیم پیوندهای میان نسلی ایفا کند. اما تحقق این مهم، بی تردید، نیازمند بازتعریف نقش آفرینی زنان به ویژه مادران است. زنان در گفتمان سیاسی امام خمینی<sup>(ع)</sup>، نه در حاشیه، که در متن تحولات اجتماعی و فرهنگی انقلاب جای دارند. با این حال، شاهد کاهش چشمگیر حضور مؤثر زنان مذهبی در عرصه های فرهنگی و تبلیغی بوده ایم؛ گویی رسالت سترگ انتقال مفاهیم دینی به نسل آینده، به تدریج از دستان پرتوان این قشر فرهیخته فاصله گرفته است. عوامل متعددی در این روند مؤثر بوده اند، از نبود راهبردهای روشن فرهنگی گرفته تا مشکلات معیشتی و روزمرگی مفرط برخی از فعالان زن. اما شاید مهم ترین آسیب، قطع شدن تدریجی رابطه زنده و الهام بخش میان مادران دیندار و نوجوانان باشد. فضایی که روزگاری گرمابخش تربیت دینی فرزندان بود، اکنون در بسیاری موارد، به سکوت یا تقابل انجامیده است.

این خلأ فرهنگی در حالی رخ می دهد که نوجوان امروز، در دریای پرتلاطم رسانه های جهانی غوطه وراست. محتواهای مهیج، جذاب و بی وقفه پلتفرم هایی چون اینستاگرام، تیک تاک و یوتیوب، با زبانی ملموس و مؤثر، ذهن و دل نوجوان را تسخیر می کنند. در برابر این موج سهمگین، مانه تنها تولید محتوای متناسب نداشته ایم، بلکه در درک زبان و نیاز این نسل نیز کاستی هایی اساسی داشته ایم.

در این میان، عاشورا همچنان می درخشد؛ نه تنها به عنوان واقعه ای تاریخی، بلکه به عنوان منبعی بی پایان از الهام، ایثار و هویت سازی. نوجوانی که عطش معنا، هیجان و قهرمان دارد، می تواند در سیمای حضرت قاسم<sup>(ع)</sup>، حضرت رقیه<sup>(س)</sup> یا حضرت زینب<sup>(س)</sup> الگویی شکوهمند بیابد؛ اگر و تنها اگر این مفاهیم، با زبان زمانه اش ترجمه شوند.

این ترجمه، نه در خطابه های رسمی، که در قالب های نوین ارتباطی محقق می شود؛ ساخت پویانمایی های عاشورایی، طراحی بازی های رایانه ای با محتوای حماسی، نگارش رمان های تخیلی مذهبی برای دختران نوجوان، و تولید پادکست ها و ویدئو هایی کوتاه و تأثیرگذار، این میدان، بیش از هر چیز، نیازمند حضور خلاق، همدل و روزآمد زنان مؤمن و دغدغه مند است.

نقش مادران مذهبی در این میان، نه صرفاً تربیتی، که راهبردی و تمدن ساز است. آنان می توانند پل ارتباطی میان سنت و مدرنیته، میان هیئت و خانه، میان مسجد و مدرسه باشند. البته به شرطی که دیده شوند، حمایت شوند، و فرصت کنشگری فرهنگی به آنان داده شود.

ضروری است که نهادهای فرهنگی همچون مساجد، هیئات و پایگاه های بسیج، از حالت سنتی خارج شده و به مراکزی برای تولید، حمایت و توزیع محتوای فرهنگی تبدیل شوند. مهم تر آنکه، باید بانگهای رحمانی و همراه با مدارا، دل های نگران بسیاری از مادران را که شاید ظاهر مذهبی کمتری دارند، اما دغدغه نجات فرزندانشان را در دل می پروراند، به صحنه آورد.

در نهایت، عاشورا، فرصتی است برای بازگشت، فرصتی برای بازسازی گفتمان دینی، بازبانی نو، قلبی پرمحبت و نگاه های عمیق. اگر زنان، همچون زینب کبری<sup>(س)</sup>، بار پیام عاشورا را بر دوش کشند، بی شک نوجوان این مرز و بوم، نه تنها از هویت خود گریزان نخواهد شد، که پرچم دار آن خواهد گشت.

اما نکته آخر اینکه نقش زنان در انتقال فرهنگ عاشورا را باید فراتر از یک کارکرد سنتی یا خانوادگی نگریست. در واقع، آن ها حاملان یک «قدرت نرم» فرهنگی اند که در بستر تربیت، روایتگری، و همدات پنداری عاطفی شکل می گیرد. نظریه پردازان فرهنگی، زنان را به عنوان «میانجیان معنایی» معرفی می کنند؛ کسانی که مفاهیم پیچیده و انتزاعی را در قالب های ملموس و زیسته به نسل بعد منتقل می کنند. به ویژه در سنت شیعی، که بر تجربه عاطفی دین تأکید دارد، نقش زن به مثابه راوی عاشورا، نه تنها یک کنش مذهبی بلکه یک اقدام راهبردی برای استمرار حافظه جمعی است. از همین روست که زنان، اگر به جایگاه واقعی خود در تولید گفتمان دینی دست یابند، می توانند عاشورا را از یک مناسک تکراری، به یک منبع پویای تربیت و بیدارسازی نسل ها تبدیل کنند.

در نظر داشته باشیم که با وجود تمام تلاش ها، توفیق واقعی از جانب خداوند است و اگر او رحمت خاصی نصیب فرزندی کند، آن فرد در مسیر معنویت و ایمان رشد فزاینده ای خواهد داشت. حضور در مجالس قرآن و ذکر اهل بیت<sup>(ع)</sup>، به طور طبیعی روحیه فرزند را نرم و قابل پذیرش از الهام های الهی می کند. همان طور که شیطان در محیط های ناپاک فشار می آورد، خداوند در کنار کسانی است که در راه خودش و اهل بیت می روند. بنابراین، هرچه فرزندان بیشتر در این فضا های معنوی حضور یابند، رشد معنوی او گسترده تر و پایدارتر خواهد شد. به تمام مادران عزیز توصیه می شود که با آگاهی و برنامه ریزی، فرزندان خود را در این مسیر همراهی کنند. علم روان شناسی نیز ثابت کرده است که ذکر خوب، اثر خوبی دارد.

حتی در مسائلی مثل شیرد های، اگر با طهارت، پاکی و نیت خوب همراه باشد، می تواند تأثیرات مثبتی بر روح و روان فرزند داشته باشد.

### حضور در مجالس اهل بیت<sup>(ع)</sup>؛ زمینه ساز هویت معنوی

این کارشناس تاریخ اسلام با تأکید بر اهمیت حضور در مجالس معنوی، یادآور می شود: شرکت در مجالس دینی، به ویژه مجالس اهل بیت<sup>(ع)</sup>، تأثیر عمیقی در روحیه و رشد ایمانی فرد دارد. وقتی انسان در محیطی نیک و پیر نور الهی حضور می یابد و با افرادی متعهد و متدین ارتباط برقرار می کند، علاقه و پیوندی عمیق با آن مکان و فرهنگ پیدا می کند که می تواند در تمام عمر با او همراه باشد.

ما شاهد هستیم که برخی افراد از کودکی فرصت حضور در مجالس سید الشهدا<sup>(ع)</sup> را نداشته اند و این نقص تربیتی باعث شده است که اراده ای جدی برای شرکت در مراسم مذهبی، از جمله مراسم اربعین، نداشته باشند. در حالی که کسانی که این فرصت را داشته اند، با عشق، شوق و احساس خاصی این سفر را طی می کنند و با برداشتی عمیق و معنوی بعد از این سفر به زندگی عادی باز می گردند. بنابراین، حضور مداوم در این مجالس، از دوران کودکی و نوجوانی، نقشی اساسی در شکل گیری شخصیت معنوی فرد دارد.

### الگو برداری از استقامت اهل بیت<sup>(ع)</sup>؛ رمز پایداری

دکتر غروی در پایان می گوید: ذکر داستان ها و نمونه هایی از استقامت، صبر و جهاد خانواده اهل بیت<sup>(ع)</sup> و همچنین برجسته کردن ظلم و بدی دشمنان، به طور طبیعی در ذهن فرد جای می گیرد و او را برای تحمل تهاجمات زندگی آماده می کند؛ چه در مواجهه با دشمنان دین، چه در برابر مشکلات داخلی و اجتماعی.

این الگوها، انگیزه بخش صبر و پایداری در مسیر حق هستند و یادآوری آن ها، سبک زندگی ای است که باعث حفظ و سرافرازی ملت و دین می شود. اگر این نمونه های والا وجود نداشتند، نه تنها دین اسلام، بلکه هویت و استقلال ما نیز در معرض خطر قرار می گرفت.



چطور مصادیق تربیتی عاشورا را در تربیت فرزندانم زنده نگه دارم؟

## ۶ مصداق مهم تربیتی در عاشورا

حمیده زمانی! فرقی نمی‌کند در کدام دوران زندگی کنیم، الان یا هزار سال پیش! اگر اهل فکر و عمل باشیم و برایمان مهم باشد که عاشورا و عظمتش را زنده نگه داریم و بر اساس آن زندگی کنیم، می‌توانیم با توجه به میزان فهم و درکی که از این واقعه بزرگ داریم، از مصادیق تربیتی آن در تربیت خودمان و فرزندانمان استفاده کنیم. ما در این مطلب قصد داریم شش مصداق مهم تربیتی در صحنه عاشورا را برایتان بازگو کنیم و بعد با هم به این پردازیم که چگونه فرزندانمان با این مصادیق تربیت کنیم.

### آزادگی

می‌گویند حرب بن رباحی دقیقاً همان لحظه‌ای که ارتقای درجه یافته، از فرماندهی هزار نفر به چهار هزار نفر رسیده و موقعیتی ممتاز یافته است، به همه چیز پشت می‌زند و آزاد و ره‌آباد به امام حسین (ع) می‌پیوندد. به همین دلیل امام حسین (ع) با توصیفی زیبا او را تحسین می‌کند: «به خدا سوگند که مادرت اشتباه نکرد که تو را حرا نامید. به خدا قسم تو در دنیا و آخرت حرو آزاد ای! آزادی حاصل زندگی کردن این آیه قرآن است: «لا خوف علیهم ولا هم یحزنون». انسان آزاده ترس از دست دادن در آینده و غم از دست دادن در گذشته را ندارد. رویکرد و نگرشی که پشت این سخن است، تسلیم و رضایت است.

### چطور فرزندی آزاده تربیت کنیم؟

برای پرورش صفت آزادی و رهایی در فرزند، لازم است از نخستین سال‌های تولدش، محیطی امن در خانه فراهم کنیم که بتواند بدون ترس از قضاوت، خود را ابراز کند. در دو سال اول، مراقبی پاسخگو و حامی باشیم و سپس او را در ابراز خود یاری دهیم تا از نداشتن هان‌نجد و از دست دادن‌ها نترسد، زیرا بدون دارایی‌هایش نیز نزد خدا و خانواده عزیز و ارزشمند است. این نگاه به آزادی توسط خانواده در فرزند نهادینه می‌شود.

### همدلی

شب عاشورا امام (ع) روبه صاحب خود فرمود، هر که همسر خود را همراه دارد او را به قبیله بنی‌اسد برگرداند. علی بن‌مظاهر اسدی برخاست و پرسید: چرا آقا جان! چرا؟ امام فرمود: پس از کشته شدن من، زنان اسیر می‌شوند. از اسیری بانوان شمانگرانم، علی بن‌مظاهر به خیمه خود رفت، همسرش با ادب و تبسم نزد او آمد. علی گفت: مرا به حال خود واگذار زن گفت: من همه سخنان امام را شنیدم. به خدا سوگند، ای فرزند مظاهر! با من منصفانه رفتار نمی‌کنی. آیامی‌پسندی که دختران رسول خدا اسیر شوند و من در امان باشم. این درک موقعیت و دیدن از زاویه دیگری، نشان از وحدت و همدلی صاحب عاشورا دارد، چه زن و چه مردشان!

### چطوری همدلی را به فرزندم آموزش دهم؟

برای اینکه به فرزندان همدلی را آموزش دهید باید ابتدا خودتان الگوی عملی همدلی باشید. در گفت‌وگوها با او گوش شنوا باشید، یعنی وقتی صحبت می‌کند با او ارتباط چشمی برقرار کنید، بازبان بدن‌تان به او بفهمانید که حرفش را می‌فهمید. درباره احساسات خودتان و دیگران و فرزندان با هم صحبت کنید و سعی کنید از زاویه دید دیگران به مسئله‌ها نگاه کنید. حتی دیدن فیلم‌ها و پویانمایی‌ها و گفت‌وگو درباره زاویه دید شخصیت‌های آن‌ها به رشد همدلی در فرزندان کمک می‌کند.

### شجاعت

در کربلا، شجاعت تنها به رویارویی با شمشیرها محدود نمی‌شود، بلکه در بیان اعتقادات، اخلاق و تصمیم‌گیری نیز جلوه‌گر است. عمرو بن‌جناده، نوجوانی یازده دوازده ساله، در روز عاشورا چنین رجز خواند: «امیری حسین و نعم الامیر / سرور فواد البشیر النذیر». این رجز، بیانگر دلاوری و شجاعت او در ابراز احساسات، اعتقاد و اتخاذ تصمیمی درست بود.

### چطوری فرزندی شجاع تربیت کنیم؟

اگر دوست دارید فرزندان شجاعی تربیت کنید باید به آن‌ها فرصت تجربه‌های جدید بدهید، امکان رویارویی با ترس‌هایش را فراهم کنید و با حمایت، در کنار فرزندان باشید. هنگامی که درباره افکار، عقاید و باورهایش صحبت می‌کند، نباید مورد تمسخر، توبیخ یا توهین قرار گیرد. رفتارهای شجاعانه، هرچند کوچک، باید دیده و تشویق شوند تا شجاعت در او رشد کند. مهم‌تر از همه، شما باید الگوی شجاعی برای فرزندان باشید.







## چطور با بچه ها برای سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و یارانشان عزاداری کنیم؟

### پرچم و کتیبه ها

پیش از آغاز ماه محرم و شروع دهه اول عزاداری، لباس سیاه و پرچم عزارا آماده کنید. در انتخاب کتیبه، پرچم و نوع پوشش مشکي برای کودکان، حق انتخاب در نظر بگیرید. پس از تهیه پرچم و کتیبه، با کمک بچه ها آن ها را روی دیوار خانه یا سردر منزل نصب کنید. همچنین می توان با همراهی و تسهیلگری شما، ریشه های عزاداری و کتیبه های زیبا را طراحی کرده و در خانه یا اتاق خودشان نصب کنند.

### قصه گویی

اگر امکانش را دارید، در ایام عزاداری، قصه گویی را به یک روال ثابت تبدیل کنید. قصه های قهرمانان کربلا، نوشته منصوره مصطفی زاده، از جمله قصه هایی است که می توان با خیال راحت برای کودکان بالای چهار سال خواند. این قصه ها علاوه بر قهرمان سازی و تأکید بر ارزش های اخلاقی، پایان خوشی دارند و کودک را دچار احساسات ناخوشایند نمی کنند.

### مداحی ها و سرودهای منتخب عاشورایی

موسیقی و نواهای مختلف همیشه در ایجاد انس و حتی قهرمان سازی نقش مهمی داشته اند. در این ایام، فهرستی از مداحی های حسینی را در گوشه همراهتان داشته باشید. البته بهتر است ابتدا خودتان با دقت محتوای مداحی ها را گوش دهید و سپس انتخاب کنید. محتواها باید شامل کلماتی باشند که ارزش های مدنظر شما را به فرزندتان منتقل کنند. همچنین، می توان درباره ریتم و آهنگ مداحی ها تحقیق کرد و در صورت اصیل بودن، با فرزندتان درباره آن ها گفت و گو کرد.

### هیئت کودکانه

بچه ها را به هر هیئتی نبرید. هیئت هایی با روضه های سوزناک، فریاد های زیاد و نقل صریح مقتل، انتخاب مناسبی برای کودکان و گاه نوجوانان نیستند. به هیئتی بروید که فضای جداگانه ای برای کودکان داشته باشد. اگر چنین فضایی وجود ندارد، سخت نگیرید. در منزل، با دعوت چند تن از دوستان فرزندتان، می توانید چند روز هیئت کودکانه برگزار کنید. در این هیئت، قصه گویی، نقاشی، نمایش و پذیرایی داریم و حتی بخشی از مسئولیت ها بر عهده خود بچه ها خواهد بود.

### فیلم و پویانمایی

وقتی بگذارید و فهرستی از پویانمایی ها و فیلم هایی که درباره امام حسین<sup>(ع)</sup> و یارانشان ساختند جست و جو کنید. بعد از انتخاب در ایام عزاداری ها روزانه یک فیلم یا پویانمایی با هم ببینید و بعد درباره اش صحبت کنید.

### گفت و گو کردن

اگر بچه ها در این ایام از شما سؤال می پرسند، اگر گاه شما یا مناسک مذهبی تان را به چالش می کشند، اصلاً نگران نباشید. اتفاقاً از مسیر درست و با پرسشگری دارند باورهایشان را می سازند. با آرامش با آن ها گفت و گو کنید. هر جا یاد نداشته باشید یا حضور ذهن ندارید، به راحتی بگویید عزیزم باید درباره اش بخوانم یا بیا با هم جست و جو کنیم. در این حین دارید ارجاع به کتاب، متخصص یا عالم را هم به او یاد می دهید و از طرفی فرزندتان می فهمد شما دانای کل نیستید.

## تاب آوری

### چطوری فرزندی تاب آور تربیت کنم؟

یکی از بهترین راه های پرورش تاب آوری در فرزند، این است که متناسب با سنش، اجازه دهید ناکامی ها را تجربه کند. زندگی مملو از لحظاتی است که نداشته ها و از دست دادن ها را تجربه می کنیم و این می تواند احساس ناکامی ایجاد کند. مانند زمانی که فرزندتان اسباب بازی ای را می خواهد اما امکان خریدش وجود ندارد، یا زمانی که غذای دلخواهش پیتزا است اما شما ماکارونی پخته اید. تاب آوری موجب می شود افراد در شرایط دشوار و با وجود عوامل خطر، از ظرفیت های خود برای دستیابی به موفقیت و رشد فردی استفاده کنند و این چالش ها را فرصتی برای توانمندسازی خود بدانند و از آن ها سربلند بیرون آیند.

احمد، پسر امام حسن<sup>(ع)</sup>، شانزده ساله، رشید، خوش قامت و زیبا بود. پس از شهادت برادرش قاسم، پابه میدان نبرد گذاشت. پس از جنگی سخت نزد امام آمد و طلب آب کرد. امام پاسخ داد: «پسر، کمی صبر کن و تاب بیاور، جدت رسول خدا<sup>(ص)</sup> سیرایت می کند». احمد با بازگشت به میدان، خود را به صبر فرا خواند و رجز خواند: «اندکی صبر کن که آرزو بعد از تشنگی است». توسط خانواده در فرزند نهادینه می شود.

## از خود گذشتگی

### چطوری فرزندی از خود گذشته تربیت کنم؟

قدم قبل از ایثار، بخشش و سخاوت است. تا کسی نتواند از داشته هایش ببخشد و بگذرد نمی تواند به مرحله بعدی یعنی از خود گذشتگی برسد. از خرد سالی به فرزندتان بخشش را یاد دهید. سهیم شدن خوراکی با دوست یا هم سن و سال خود یا هدیه دادن به کودکان نیازمند از پول توجیبی یا پول پس انداز خود و... پله هایی است که باید قبل از آموزش مفهوم از خود گذشتگی طی شود. در زندگی خانوادگی تان نیز باید فضاها یا مناسکی برای بخشش و انفاق داشته باشید و کودکان در جریان آن باشند. مفهوم از خود گذشتگی در خیلی از لحظات زندگی تان جاری است؛ وقتی هر دو تشنه اید و ابتدا آب سرد را برای فرزندتان می ریزید. وقتی هر دو به شدت خسته اید و شما با وجود خستگی ها فرزندتان را بغل می کنید و به مسیر ادامه می دهید و... در این لحظات به فرزندتان ایثار را یاد می دهید.

کسی که دلبسته و وابسته نیست، می تواند ببخشد. ایثار و از خود گذشتگی را در لحظه ای باید دید که ابوالفضل، سردار و ساقی کربلا، به لب آب می رسد. آب زلال، خنک و نوازشگر دستانش است. آن را تا کام بالایی آورد، اما عطش دیگران را به یاد می آورد و تشنه از کنار آب باز می گردد.

## عزتمندی

حتما جمله معروف امام حسین<sup>(ع)</sup> را بارها و بارها شنیده اید: «مرگ همراه با عزت بهتر از زیستن ذلیلانه است». یعنی اگر عزیز بگیری بهتر از آن است که ذلیل و زبون بمانی. این سخن نشان دهنده فرهنگ حسینی، در حفظ حریم حرمت مؤمنانه است. عزت نفس و ارزشمندی یکی از مسئله های بسیار مهم تربیتی در شکل گیری هویت و شخصیت هراسانی است.

### چطوری فرزندی با عزت نفس سالم تربیت کنم؟

وقتی کسی عزت نفس سالم دارد، یعنی می داند که چه چیزهایی برایش ارزش است و برای ارزش هایش احترام قائل است. برای اینکه فرزند ی با عزت نفس سالم تربیت کنید، باید او را با وجود نقص ها و قوت هایش دوست داشته باشید تا او احساس ارزشمندی داشته باشد. او را با دیگران مقایسه نکنید و بستر رشدی او را در استعداد ها و توانمندی هایش فراهم کنید. این گونه فرزندتان می تواند عزت نفس سالمی داشته باشد و برای خودش و آبرو و اعتبارش ارزش قائل شود.







# نقش آفرینی از خانه تا آن سوی مرزها

این خانم کارآفرین، دغدغه‌هایی خاص و متفاوت دارد



سرور هادیان! بعضی‌ها انگار چند موتور قرار است کار کنند! هم خانه داری و مادری، هم حضوری فعال و دغدغه مند در اجتماع! دغدغه‌هایی فراتر از نگرانی‌های متداول که باید در جامعه اثر بگذارد.

این زنان بر کشف استعداد های فردی و تغییر مسیر زندگی تأکید دارند و معتقدند هیچ‌گاه نباید احساس کنی به بن‌بست رسیده‌ای، بلکه هر لحظه فرصتی برای خودشناسی و موفقیت می‌سازی و در کنار وظایف همسری و مادری، با همین حس پویایی انرژی مضاعفی به خانواده و جامعه منتقل می‌کنی؛ گاهی حتی فراتر از خانه و جامعه، به دنیا!

یاد گرفته بودم، اما به صورت جدی مسیر خود را در زمینه طراحی و تولید لباس‌های بچگانه و نوجوان شروع کردم. اگرچه کارهای اولیه‌ام شامل دوخت لباس‌های نوزادی بود ولی با خلاقیت، وارد بازار لباس نوزاد شدم و نمونه‌هایی مانند پیش‌بندهای بلند و آستین‌دار برای اولین بار تولید کردم. سپس با توسعه فعالیت‌هایم، وارد عرصه تولید لباس دخترانه شدم.

اوایل سفارش‌ها برای دوستان و آشنایان بود، به ویژه لباس‌هایی با ویژگی‌هایی مانند آستین بلند و طراحی‌های خاص که کمبودشان در بازار احساس می‌شد. بعد از آن از طریق فضای مجازی مانند کانال‌های تلگرام، ایتا، اینستاگرام، سایت و... فروش کارهام را گسترش دادم و سفارش‌های بیشتری داشتم.

می‌گویند: مادرم خیاط بود و من علاقه زیادی به هنر داشتم. به طوری که اگر به گذشته باز می‌گشتم، احتمالاً مسیر تحصیل در رشته تجربی را کنار می‌گذاشتم و مستقیم وارد حوزه‌های حرفه‌ای و هنری می‌شدم. پس از اتمام دوره لیسانس، تمایل داشتم فعالیتی در جامعه داشته باشم، اما به دلیل علاقه مند نبودن به کارهای پژوهشی و هیئت علمی وارد این حوزه نشدم. سال ۱۳۹۴ ازدواج کردم و سال ۹۷ پسرمتولد شد. همان سال برای شروع و یادگیری خیاطی حرفه‌ای، به کلاس خیاطی رفتم. اگرچه در کنار مادرم چیزهایی را

## با خلاقیت، وارد بازار لباس شدم

زینب زمانی، متولد سال ۱۳۶۹ در مشهد است. متأهل و دارای دو فرزند به نام‌های حسین شش‌ساله و فاطمه حسنا سه‌ساله است. البته که فرزند سومش هم در راه است. او تحصیلات خود را در دانشگاه شهید بهشتی در رشته زیست‌شناسی به پایان رسانده است. در پاسخ به این سؤال که از دانشگاه تهران ورشته زیست‌شناسی، چطور به طراحی و دوخت پوشاک دخترانه ایرانی و اسلامی رسیده است،





### خود بچه ها هم عذاب می کشند

این بانوی خلاق، هدف اصلی از شروع کارش را تأمین پوشاکی بیان می کند که با فرهنگ و مذهب ایرانی-اسلامی هم خوانی داشته باشد. می گوید: در بازار کمبود لباس های دخترانه پوشیده و شیک محسوس بود و وارد این مرحله از کار که شدم دوخت مزونی که دوخت های سطح بالا و تمیزتری نسبت به تولیدی های معمول است آموزش دیدم و سعی کردم از پارچه های باکیفیت و متنوع تر استفاده کنم. پارچه هایی که اغلب شاد و جذاب هستند و از شهرهایی مانند تبریز، شمال و قم خریداری می کنم تا قیمت مناسب تری داشته باشند که بر روی قیمت تمام شده نهایی محصول تأثیرگذار است تا بتوانم محصولات باکیفیت ولی با قیمت مناسب تولید و روانه بازار کنم. نامی که برای محصولاتم انتخاب کرده ام «مانیا»

### لباس وسیله ای برای نهادینه کردن ارزش ها

او در ادامه از اهمیت فرهنگ سازی در حوزه حجاب و عفاف صحبت می کند. «به نظر من باید لباس هایی طراحی شود که هم زیبا و جذاب باشد و هم با ارزش های فرهنگی و دینی سازگار. کودکان باید از سنین پایین به سمت لباس های رنگی، شاد و در عین حال پوشیده و اسلامی سوق داده شوند تا این ارزش ها در ناخودآگاه آن ها نهادینه شود.»

خانم زمانی همچنین به نقش خانواده و جامعه در ترویج این فرهنگ اعتقاد دارد و بر ضرورت فعالیت های فرهنگی و

### کار بدون کارگاه

این بانوی کارآفرین درباره هزینه تمام شده لباس های کودک و نوجوانی که تولید می کند، می گوید: «قیمت لباس های تولیدی من با سود بسیار کم در سال گذشته بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان بود که بسیاری از خانواده این قیمت را برای لباس های مناسب خانه می پرداختند به نسبت قیمت های بالا و گرانی پارچه و هزینه دوخت، این قیمت بسیار مناسب بود. از طرفی چون تولید پوشاک بحث رقابتی است و باید به این مهم توجه کرد اما سال باتوجه به افزایش هزینه ها، در حال حاضر قیمت ها به حدود ۴۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان رسیده است.»

### از اهدای سود تا انگوهای طلا

خانم زمانی پیشنهاد می کند که مادران استعداد های خود را کشف کنند و در کنار وظایف خانوادگی، فعالیتی متناسب با توانایی هایشان داشته باشند. زیرا این کار می تواند به افزایش نشاط و پویایی در زندگی شان کمک کند و تأثیر مثبتی بر خانواده و جامعه داشته باشد.

«هر مادری باید بر اساس شخصیت و توانایی های خود مسیر را پدید کند که هم رشد خودش و هم رشد فرزندانش و هم

تا گروه سنی هشت سال حالا سطح دغدغه های خود را افزایش داده و وارد کار طراحی لباس برای نوجوانان هم شده است. خودش می گوید: الان دیگر از یک ساله تا سن پانزده سال پیش ما می تواند لباسی مناسب پیدا کند. طراحی و رنگ بندی همه لباس ها شاد است و برای مناسبت ها و عید های مختلف ما طرح های ویژه ارائه می دهیم. برخی طراحی های لباس می تواند برای هردو گروه کودک و نوجوان باشد، اما گاهی باید اختصاصی هر گروه تولید کرد. او بر لزوم توجه و رعایت راحتی، زیبایی، شادی و سلیقه کودک در طراحی لباس تأکید دارد و معتقد است فرهنگ سازی در این حوزه باید از کودکی آغاز شود تا کودکان عادت کنند، لباس های

زیبا و مناسب بپوشند و از تیره و کسل کننده بودن لباس ها ذایت نشوند.



اجتماعی و اهمیت حمایت از تولید داخلی، فرهنگ سازی در حوزه پوشاک و حجاب تأکید می کند.

«با تلاش و فرهنگ سازی می توان هم در اقتصاد و هم در ترویج ارزش های فرهنگی موفق شد. قیمت لباس های پوشیده و شاد که جنس خوبی هم داشته باشد در گروه سنی کودکان و نوجوانان در بازار بسیار بالاست و از طرفی حمایت مسئولان و نظارت بر واردات پوشاک بسیار کم است.» او همچنین معتقد است که باید مالیات هایی وضع شود تا لباس های خارجی رقابتی نباشند و بازار داخلی حفظ شود. زیرا گاهی کیفیت پوشاک ایرانی، هم سطح خارجی است و این به معنای ادامه ندادن مسیر تولید کننده داخلی است.

### خانواده است.

ناگفته نماند که او در طراحی ست های مادر و دختر نیز دستی دارد، اما به دلیل تفاوت های سایز و استاندارد های مختلف، بیشتر تمرکزش را بر تولید سفارشی گذاشته است. «طراحی و دوخت لباس زنانه متفاوت است و با دوخت لباس کودک تفاوت دارد.

این طور نیست که یک الگو را تکرار کنیم. همچنین سایز های زنانه متفاوت است که ما ترجیح می دهیم وارد آن نشویم، ولی اگر به ما سفارشی بدهند و بخواهند قبول می کنیم.»

زینب زمانی در زمینه اشتغال زایی برای دیگر زنان نیز توانسته است موفق باشد. او برای چهار نفر به طور مستقیم و شش نفر غیرمستقیم اشتغال ایجاد کرده است.

«این بانوان خیاط همه خانم هایی هستند که در خانه در کنار همسر و فرزندان شان خیاطی می کنند و کمک خرج خانواده و همسرشان هستند.

درآمد ماهانه آن ها ثابت نیست و وابسته به میزان سفارش ها متفاوت است. اما آنچه برای من مهم بوده همین خانگی بودن کار و در کنار فرزندان بودن هست. با وجود اینکه رفت و آمد ها برایم سخت است، ولی هیچ وقت به دنبال راه اندازی کارگاه نبودم چون معتقدم جای زن در خانه و در کنار

### رشد خانواده در آن باشد.

او علاوه بر تولید پوشاک متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی، دغدغه های اجتماعی گسترده تری دارد. از کسانی است که در جنبش های مردمی برای کودکان غزه مشارکت می کند و سال گذشته در پویش اهدای طلا، انگوهایش را بخشید.

«ابتدا بخشی از سود فروش پوشاکم را برای کمک اختصاص دادم. اما به تدریج از طریق جمعیت بین المللی امام رضایی ها و گروه دوستانم در دانشگاه شهید بهشتی، به نام مراپطات

ایران، همکاری کردم و توانستم با جمع آوری کمک های مالی، هدایا و طلاهای اهدایی زنان، سهمی در حمایت از زنان و کودکان رنج کشیده غزه داشته باشم.

این کمک ها همچنان ادامه دارد و گاهی پویش هایی مانند طبخ غذای مقلوبه نیز برگزار می کنیم؛ غذایی با پیشینه ای تاریخی و اعتراضی در فلسطین. باور دارم که زنان باید نقش آفرین باشند، در خانه، جامعه و حتی فراتر از آن، در دنیا.»





# یک انتخاب کاملاً خصوصی

دختران دهه هشتادی این بار مهمان شهربانو شدند تا از حجاب و عفاف بگویند

**محبا جعفری** همان طور که می‌دانید اوا خرتیرماه روزی داریم به اسم روز عفاف و حجاب. اینکه چه اتفاقات تاریخی در این روز رخ داده است را خودتان بروید جست و جو کنید و بخوانید اما آنچه از این روز ما می‌خواهیم در بیاوریم همین دو کلمه عفاف و حجاب است. با تعدادی از دختران دهه هشتادی دور هم جمع شدیم تا درباره آنچه به آن پوشش می‌گویند، صحبت کنیم. در ادامه نظرات این دختران را بخوانید و همراه ما و این دختران خلاق باشید.

## حرف از یک انتخاب

**زهراسنیم طوسی**: خلقت انسان یعنی زن و مرد بایکدیگر تفاوت دارد. خداوند ویژگی‌هایی در وجود هر یک قرار داده که آن‌ها را از هم متمایز می‌کند. ذات مرد به گونه‌ای است که جذب زیبایی خانم‌ها می‌شود و خانم‌ها نیز دوست دارند دیده شوند. متأسفانه در جامعه ما، برخی از خانم‌ها نتوانسته‌اند از طریق مهارت‌ها، تفکرات و علمشان دیده شوند و به همین دلیل تصمیم گرفته‌اند با ظاهرشان دیده شوند. من چادر را انتخاب کردم زیرا ارزشم با چادر بیشتر می‌شود و صرفاً مردان جذب ظاهر نمی‌شوند. همین که حرمت من در جامعه حفظ شود، زیبایی خاصی دارد.

**ریحانه ناصری**: به نظر من، حجاب یکی از نیازهای اصلی بشر است، زیرا می‌توان به پیشینه ۳ هزار ساله آن اشاره کرد. آقای ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن ذکر کرده که جامی نقره‌ای در استان فارس پیدا شده که مربوط به دوره ایلامی‌ها، یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های ایران، بوده است. روی این جام، تصاویر الهه‌های آن زمان دیده می‌شود که پوششی سراسری و کاملاً پوشیده داشته‌اند. بنابراین، حجاب از گذشته تاکنون وجود داشته و صرفاً به انقلاب اسلامی مربوط نمی‌شود.

## حس و حال یک پوشش خاص

**زهراسبزیان**: حقیقت این است که هنگامی که چادر بر سر دارم، احساس امنیت می‌کنم. همان طور که زهرای عزیز اشاره کرد، با چادر احساس می‌کنم حضورم در جامعه بر اساس توانایی‌ها و شایستگی‌هایم است، نه صرفاً ظاهر جسمانی‌ام.

**فاطمه لطفی**: من نیز معتقدم که باید مراد را در جامعه به خاطر توانایی‌ها و مهارت‌هایم بخواهند. نه صرفاً به دلیل اینکه دختر هستم! در جامعه‌ای که غرب ایجاد کرده، زن را به خاطر جذابیت‌های بصری‌اش می‌خواهند، اما حجاب این خط قرمز را برای مردان جامعه می‌گذارد و نشان می‌دهد که من یک زن هستم که پیش از زیبایی، توانایی‌های لازم برای حضور فعال در جامعه را دارم.

## توهین شنیدیم!

**فاطمه لطفی**: گاهی در خیابان، به دلیل پوشیدن چادر، با تمسخر یا صحبت‌های ناخوشایند مواجه شده‌ایم. اما این موضوع برایمان اهمیتی ندارد. آنچه آزاردهنده است، شنیدن حرف‌هایی از سوی نزدیکان یا دوستان است. برخی از خانم‌های محجبه، به ویژه پس از بحث مهسا امینی، چنین تجربه‌هایی داشته‌اند. حتی در مدرسه، از سوی برخی از هم‌کلاسی‌ها، معلمان، کادر مدرسه و اقوام، برچسب‌هایی ناخوشایند به پوشش ما زده شد.

**فاطمه کیوان باقری**: وقتی در مکان عمومی هستم و کسی درباره پوشش‌م صحبت ناخوشایندی می‌کند، به خود یادآوری می‌کنم که خادم حضرت زهرا (س) هستم و این چادر هدیه‌ای از جانب ایشان است. به همین دلیل، این حرف‌ها را می‌شنوم اما برایم هیچ اهمیتی ندارد.

**ریحانه فرجاد مهر**: شاید حرفی که می‌زنند، گذرا باشد، اما در محیطی که آن را می‌شنوم، بیشتر احساس ناراحتی می‌کنم. شاید خود حرف مهم نباشد، اما وقتی تنها هستم و مقابل گروهی قرار می‌گیرم که پوشششان کاملاً متفاوت است، شرایط برایم کمی سخت می‌شود.



ریحانه ناصری

فاطمه لطفی

ملیکا عابدینی

ریحانه فرجاد مهر



## به عقاید هم احترام می‌گذاریم

**زهره نسیم طوسی:** بعضی افراد در قشرها و خانواده های مختلف رشد می‌کنند و دارای عقاید و ظاهر متفاوت هستند. اما این دلیل نمی‌شود که رابطه مان را با آن ها قطع کنیم! اکثر دوستان من چادری نیستند اما با آن ها ارتباط دارم و شاید حتی با دوستان چادری خود رابطه محدودتری داشته باشم و همین که بتوانم روی آن ها کمی تأثیر بگذارم و هنگامی که کنار من هستند حداقل شالشان سرشان باشد برای من کافی است. ماهمه انسان هستیم و نباید جداسازی کنیم. مانسبت به آن ها برتر نیستیم و آن ها نیز نسبت به ما برتر نیستند.

**ریحانه فرجاد مهر:** من کلاس موسیقی می‌روم و اکثر دوستانم داخل کلاس ظاهرشان با من متفاوت است. اما به هیچ عنوان رابطه ام را با آن ها قطع نکرده ام و سعی کردم حتی با آن ها رابطه دوستانه بسازم. **مریم غفارپور:** در واقع می‌توان گفت در بیشتر مواقع دوستی دو آدم که از لحاظ ظاهری و عقاید متفاوت است نه تنها باعث نمی‌شود فردی که عقاید محکم تری دارد به سمت عقاید ضعیف طرف مقابل برود، بلکه عقاید خودش محکم می‌شود.



## مانع اظهار نظر دیگران

**ریحانه ناصری:** طبیعتاً برای ما حس خوبی دارد که برای همین حجاب به مادر جامعه احترام می‌گذارند.

**زهره سبزیان:** من این حس را دارم که نیاز نیست برای تأیید یک نفر دیگر که به من بگوید چه زیبایی! به ظاهر خودم برسم، همین چادر باعث شده است که دیگران به راحتی در مورد من اظهار نظر نکنند.

## حجاب فقط در ظاهر نیست

**ریحانه ناصری:** به نظر من همان طور که حجاب را در ظاهر رعایت می‌کنیم باید در باطن نیز این گونه باشد. باطن را هم باید همانند ظاهر پاکیزه نگه داریم. به عنوان مثال شنیده ام که برخی می‌گویند خانمی چادری است اما بسیار هم بداخلاق است! یا همه مذهبی ها عصبی هستند!

**فاطمه کیوان باقری:** من معتقدم این گونه افراد مذهبی نما هستند چون علاوه بر چادرمان باید اخلاق و رفتارمان را نیز کنترل کنیم.

**ملیکا عابدینی:** هنگامی که چادر را سرمان می‌کنیم در واقع می‌گوییم شخصیتمان متفاوت است و زمانی که رفتارمان با حجابمان تطابق نداشته باشد، حجابمان برای افراد مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد و در واقع ارزش چادر را پایین می‌آوریم.

**مریم غفارپور:** به نظرم حجاب درونی مهم تر از حجاب بیرونی است. اگر هم چادر نباشد اما پوشش کاملی می‌بینیم که حجاب درونی فرد به قدری کامل است که نسبت به او کشش پیدا می‌کنیم. حتی در بعضی از مواقع این حجابی درونی است که برای افراد جذاب است مثلاً خانمی با چادر در فصل گرما و قار خود را در رفتار و کردار رعایت می‌کند.

## تصویرسازی اشتباه از خانم های باحجاب

**زهره نسیم طوسی:** به نظرم کسانی که اعتقادات درستی دارند باید به ظاهرشان هم خیلی اهمیت بدهند همان طور که ائمه این گونه عمل می‌کردند. اما بعضی ها از خانواده های مذهبی خیلی ما را سخت می‌گیرند مثلاً حق کرم زدن به صورتت یا پوشیدن روسری های رنگی نداری!

**ریحانه ناصری:** اما باید مواظب این مورد نیز باشیم مثلاً همین حجاب استایل هانیز با چنین شعاری در فضای مجازی ظاهر شدند، ولی باید سعی کنیم از یک حدی در زیبایی ظاهری به عنوان یک خانم چادری فراتر نرویم.

## نقش مؤثر فضای مجازی

**فاطمه لطفی:** علاوه بر اینکه فضای مجازی یک نوع پوشش خاصی را رواج داد، یک گاردی را هم نسبت به حجاب ایجاد کرد. قبل از اینکه یک نوجوان بگوید این پوشش را دوست دارم، می‌گوید این پوشش را دوست ندارم و دغدغه داشتن شال بر روی سر یا دور کردن خود را ندارد بلکه می‌خواهم با انداختن این شال جلوی یک عده به خصوصی بایستم و یک بخشی از آن ناشی از فضای مجازی است. این گارد باعث شده خیلی از نوجوانان و جوانان به اشتباه فکر کنند که باید با داشتن حجاب یا پوششی که اصطلاحاً به شما اجبار کردند مبارزه کنید.



## نقش آفرینی پدر و مادرهایمان

**فاطمه کیوان باقری:** شاید جالب باشد که بدانید پدر و مادر نقش در انتخاب نوع پوشش من نداشتند، بلکه این انتخاب کاملاً شخصی بود. آن ها فقط راهنمای من بودند و مسیر را ترسیم کردند تا بتوانم راه درست را انتخاب کنم. من نیز چادر را پوششی کامل می‌دانم. زیرا با آن احساس امنیت و آرامش دارم. **زهره سبزیان:** به نظر من، بستر محیطی بسیار مهم است. یعنی اینکه در چه فضایی رشد می‌کنیم. شخصاً معتقدم اگر در خانواده ای غیر چادری بزرگ شده بودم، احتمالاً اکنون چادر نداشتیم. مادر بسترهایی زندگی می‌کنیم که خانواده، خواسته یا ناخواسته، بر ایمان ایجاد کرده اند. وقتی حس و حال مادرم را هنگام پوشیدن چادر دیدم، احساس خوبی نسبت به آن پیدا کردم. به نظرم این حس مثبت بسیار مهم است، زیرا در انتخاب چادر تأثیر می‌گذارد. اکنون حتی هنگام خرید چادر نیز آگاهانه تصمیم می‌گیرم، چون این انتخابی شخصی است.

**ریحانه ناصری:** همان طور که دوستان گفتند، خانواده نقش مهمی دارد. در کنار آن، احساسات نیز بسیار تأثیرگذارند، اما با تهاجم فرهنگی یا شبهات، این احساسات ممکن است از بین بروند. برای حفظ این حس، ابتدا باید دلیل پوشیدن چادر را تبیین کرد. حتی نظرات دانشمندان خارجی درباره حجاب می‌توانند پاسخ های قانع کننده ای ارائه دهند.

**زهره سبزیان:** در ادامه باید اضافه کنم که همان طور که یک خانواده مذهبی می‌تواند نقش زیادی در چادر سر کردن فرزندشان داشته باشد، ممکن است تأثیر معکوس نیز بگذارد. به اصطلاح دهه هشتادی ها، «گیرهای پدر و مادر» یا وسواس های فکری در پوشش، معارف دینی و سایر مسائل می‌تواند در آینده، به ویژه در دوره نوجوانی، باعث شود که دختر نوجوان به کلی از حجاب فاصله بگیرد.

مریم غفارپور

زهره نسیم طوسی

زهره سبزیان

فاطمه کیوان باقری





# بگذارید خودش انتخاب کند

بررسی کارشناسانه درباره مسئله پوشش  
که این روزها دغدغه خیلی از دختران و مادران است



**جعفری |** بعد از گفت و گو با دختران دهه هشتادی و بررسی دیدگاه های مادران در فضای مجازی، نکاتی را که به عنوان سؤالات رایج مطرح شده بودند گردآوری کردیم و با یک کارشناس دینی به گفت و گو نشستیم. انسیه محقق، مبلغ حوزه علمیه در مسائل مذهبی، فرهنگی و اجتماعی، به نکاتی اشاره می کند که احتمالاً از چالش های شما چه به عنوان دختری جوان، و چه به عنوان مادری که دختر نو جوان و جوانی در خانه دارد باشد.



## ترویج با عمل

والدین می توانند با رعایت عفاف در رفتار، گفتار و تعاملات روزمره، الگوی عملی برای دختران خود باشند. به علاوه، برگزاری کارگاه های آموزشی و فعالیت های گروهی که در آن دختران مهارت های اجتماعی و ارتباطی را با رعایت عفاف یاد بگیرند، می تواند بسیار مؤثر باشد. این فعالیت ها به دختران این امکان را می دهد که عفاف را به عنوان یکی از مؤلفه های زندگی اجتماعی و فردی در نظر بگیرند و آثار مثبت عفاف را در زندگی ببینند.

## تشویق به شیوه های خاص

حجاب واجبی است که خداوند متعال به آن دستور داده و به معنای پوشش بدن و پرهیز از خودنمایی در برابر نامحرم است. حجاب و عفاف از موضوعاتی هستند که در قرآن و روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته اند. با این حال، دختران دهه هشتادی پرسش های زیادی درباره چرایی حجاب دارند. تشویق دختران به حجاب باید با محبت و روش های مثبت همراه باشد. خانواده های می توانند با برگزاری جلسه های صمیمانه و محبت آمیز، درباره ویژگی ها و مزایای حجاب گفت و گو کنند. در این جلسه ها باید به دختران آموزش داد که حجاب تنها یک پوشش نیست، بلکه نمایانگر هویت و احترام به خود است. این گفت و گوها باید در فضایی مناسب صورت گیرد تا دختران بتوانند سؤالات و دغدغه های خود را درباره حجاب مطرح کنند و احساس کنند که این انتخاب نه تنها ضروری است، بلکه به آن ها قدرت و اعتماد به نفس می بخشد.

## جذاب و زیبا در جامعه

دختران باید یاد بگیرند که حجاب می تواند جذاب و زیبا باشد. برگزاری فعالیت های فرهنگی و هنری، مانند مسابقات لباس با رویکرد حجاب و عفاف، می تواند زمینه آشنایی آن ها با ایده های جدید و نوآورانه باشد. همچنین، دعوت از افرادی که به موفقیت های اجتماعی و علمی و ورزشی و... رسیده اند و در عین حال حجاب را نیز رعایت می کنند، می تواند الگوی مناسبی برای دختران باشد و به آن ها نشان دهد که حجاب هیچ مانعی برای موفقیت نیست. در این بین، الگوهای واقعی مانند حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) نشان دهنده قدرت، عزت و استقامت در رعایت حجاب و عفاف هستند. حضرت زهرا (س) با ویژگی های اخلاقی و ارزش های اسلامی خود، مفهوم حجاب را به شکلی عمیق و مؤثر در جامعه معرفی کردند و ثابت کردند که حجاب نه تنها یک انتخاب دینی، بلکه نمایانگر هویت الهی یک زن است. حضرت زینب (س)، با ایستادگی در برابر ظلم و فداکاری هایش، به دختران آموختند که می توانند با حجاب و عفاف در راه حق جهاد کنند و به عنوان یک الگوی رهبری و مقاومت در جامعه شناخته شوند.





+ یادداشت

## برای خودتان حریم بسازید

جمیله وافی؛ فعال فرهنگی حوزه بانوان؛

مدرس حوزه و مسئول مؤسسه صدق حجاب

با تأملی در وضعیت فعلی حجاب و عفاف در کشور و ارزیابی و آسیب شناسی تلاش های صورت گرفته تاکنون در زمینه ترویج حجاب، به مواردی برخورد می کنیم که قطعاً به اصلاح نیاز دارد.

از مهم ترین آن ها:

یک: رفتارها برخاسته از یک پشتوانه و پس زمینه به نام «باور» هستند. هر عملی ناشی از یک نوع و یک سطح از باور افراد است و تفاوت رفتارها همچنین عمیق یا سطحی بودن آن ها مربوط به همین پشتوانه نگرشی است.

هرگونه تلاش برای تغییر یک رفتار ناهنجار بدون توجه و پرداختن به آن باوری که لایه زیرین و درونی این رفتار را شکل می دهد هیچ اثر ماندگار و واقعی نخواهد داشت. اگر هم نشانه هایی از تغییر مشاهده کنیم کاملاً موقت و تحت تأثیر شرایط شکل گرفته و امیدی به پایداری آن نیست. علائم این ناپایداری زمانی بروز می کند که طوفانی از شبهات، شایعات و وارونه نمایی ها در فضای حقیقی و مجازی برخیزد؛ در این زمان، رفتارها همچون شاخه هایی سست و غیرمتکی بر ریشه، یکی پس از دیگری محو شده و یا به ضد خود تبدیل می شود.

نمی خواهیم لزوم فعالیت های مبتنی بر تصحیح رفتار را منکر شده و بی ارزش بدانیم بلکه سخن در این است که به موازات و هم ردیف این گونه تلاش ها بلکه بیشتر و قوی تر از آن باید به اصلاح و ارتقای باورها [عقاید] و نوع نگاه انسان ها [به خود، خدا، عالم هستی و دیگران] بپردازیم.

لذا ضرورت دارد مجموعه های فرهنگی، تربیتی و افراد اثرگذار و دغدغه مند به این مهم دقت کرده و تغییرات جدی در زمینه محتوا و روش فعالیت خود اعمال کنند.

دو: آدمی فطرتاً منصف و به دنبال مصلحت، لذت و آرامش خویش است. حرکت انسان به سوی خوبی ها، زیبایی ها و قله های اخلاقی، رفتاری، به هیچ انگیزه دیگری جز این ویژگی خدادادی نیاز ندارد.

تنها به یک عامل محرک یا به عبارت بهتر تلنگری نیاز است که در این جهت، مربیان دلسوز از انبیا گرفته تا علما، معلمین، والدین و مجموعه های فرهنگی باید زمینه شناخت مصادیق حقیقی خوب و بد، لذت و رنج، زیبایی و زشتی را فراهم آورند.

قابل توجه است که قرآن کریم به عنوان فلسفه حجاب برد و نکته تأکید دارد:

۱- زنان مؤمن با رعایت پوشش کامل، به عفت و تقید شناخته شده و گویی حرمی بین خود و نامحرم ایجاد می کنند که بالتبع در معرض کمترین آسیب و اذیت اجتماعی از سوی دیگران قرار می گیرند.

۲- حفظ حدود حجاب (با تمام ابعادش) طهارت جان و قلب را برای بانوان و نیز مردان جامعه، به ارمغان می آورد.

شاید بتوان گفت نکته اول بیشتر جنبه حسی و ظاهری داشته و نکته دوم بیشتر به جهت روحی و معنوی اشارت دارد.

اگر همین دوئمره حجاب اسلامی با شیوه های جذاب و مؤثر برای آحاد جامعه (چه زن و چه مرد) تبیین شده و به باور آن ها تبدیل شود؛ برای تشویق به حفظ این هنجار شرعی و عقلی (حجاب) کفایت می کند. در صورتی که دختران و زنان مسلمان حقیقتاً منافع فردی و خانوادگی خود را در گرو حفظ حریم عفاف و حجاب دانسته

و دریابند که بابتی حجابی، آرامش و آسایش روحی، روانی و جسمی آن ها در هم می ریزد و آسیب می بیند خود به خود به سمت آن نمی روند.

البته درباره شیوه انتقال این آموزه ها سخن بسیار است که در جای خود باید گفت.

متأسفانه اکثر آسیبک استدلال بر لزوم رعایت حجاب اسلامی این مفهوم را به ذهن دختر نوجوان و جوان و بانوان مآلقا می کند: تو باید حجم وسیعی از محدودیت ها و سختی ها را بپذیری و تحمل کنی تا دیگران راحت باشند و به سختی و رنج و حرام نیفتند!

بپذیریم که این فلسفه چندان شوق و انگیزه ای برای پایبندی به حدود حجاب اسلامی در انسان ایجاد نمی کند. لذا به نظر می رسد یکی از مهم ترین اصلاحاتی که باید صورت گیرد در فهم و تفهیم فلسفه حقیقی حجاب اسلامی است.



### به رسمیت شناختن دیدگاه ها

والدین باید به دختران خود با محبت کمک کنند تا بتوانند نوع پوشش خود را بر اساس اعتقاد دینی و فرهنگ دینی انتخاب کنند. این انتخاب علاوه بر به رسمیت شناختن نظرات و احساسات آن ها، باعث ایجاد حس اعتماد و احترام متقابل در خانواده می شود. اگر دختران احساس کنند که صدای آن ها شنیده می شود، این احساس به آن ها کمک می کند تا با آگاهی، اطمینان و خود باوری انتخاب کنند.

### مواجهه با مقایسه ها

مقایسه دختران با یکدیگر یا با الگوهای رسانه ای می تواند تأثیرات منفی بر روی عزت نفس آن ها بگذارد. والدین باید به دختران کمک کنند تا ارزش های درونی خود را درک کنند و به جای مقایسه، بر روی رشد شخصی متمرکز شوند. این امر می تواند با ایجاد فضایی بی تحقیر و حامی در خانواده محقق شود. تا دختران خود را شایسته و ارزشمند بدانند و بدانند که حجاب به عنوان یک اصل باعث رشد و موفقیت و ایجاد آرامش در آن ها خواهد شد.

### راهکاری برای علاقه ندارها

در شرایطی که دختری به حجاب علاقه ای ندارد، خانواده باید با او به آرامی صحبت کند و به احساسات او گوش دهد. برخورد اجبارآمیز در این زمینه می تواند نتیجه معکوس داشته باشد و دختران را نسبت به حجاب بدبین کند. بنابراین، والدین باید به عنوان حامی عمل کنند و به سوالات و نگرانی های دختران پاسخ دهند. تا آنان را به درک عمیق تری از حجاب و تأثیرات مثبت آن راهنمایی کنند.

### حجاب یک پیوند اجتماعی

ایجاد فضایی مثبت و پرمحبت در خانواده یکی از کلیدهای تربیت دختران با حجاب و عقیف است. برگزاری فعالیت های خانوادگی مانند سفرهای مذهبی، جلسات دعا و آموزش های مرتبط می تواند تأثیرات مثبتی بر رشد شخصیت دختران داشته باشد. باید به دختران آموزش داده شود که حجاب تنها یک انتخاب شخصی نیست، بلکه آن ها می توانند با رعایت آن یک پیوند اجتماعی و فرهنگی با سایر افراد جامعه برقرار کنند و درسایه آرامش روح و روان به بسیاری از موفقیت ها برسند. یک خانم با حجاب، برای پدرش افتخار، برای برادرانش عزت و برای همسرش مانند گنجی و برای فرزنداننش بهترین الگوست.







صاحب امتیاز:  
مدیر مسئول:  
سرمدی:  
دیر ضامن:  
دیر شهریانو:  
مدیر هنری:

شهرداری مشهد  
سید میثم موسوی مهر  
سید سجاد طلوع هاشمی  
ارژنگ حاتمی  
لیلا جانقربان  
سید هاشم دقیق

صفحه آرا:  
عکاسان: فاطمه جاهدی حداد، فهیمه فرخی، مهدیه غفوریان، نرجس شاکری و حدیث فقیری  
ویراستاری:  
نشانی:  
روابط عمومی:  
شماره پیامک:

فاطمه سادات هوشیار امامی  
راهله سرادار  
خیابان کوهسنگی - نبش کوهسنگی ۱۵  
۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲  
۳۰۰۰۷۲۸۹



گپی با مربی که تیم بسکتبال  
با ویلچر زنان ایران را به مقام سوم آسیا رساند

# پرتاب سه امتیازی امید

مژده رنگبان همه چیز برای معلم ورزش شهرستان برمی گردد به ۲۴ سال پیش، آن روزی که در اوج جوانی و انگیزه، به عشق آموزش بسکتبال به دختران مشهدی وارد سالن ورزشی فیاض بخش شد اما نمی دانست زندگی برای او راه دیگری را انتخاب کرده است. مهري يوسف زاده ۳۰ سال است که دبیر تربیت بدنی مدارس دخترانه مشهد است؛ در دانشگاه نیز رشته تربیت بدنی و گرایش فیزیولوژی ورزشی را تا مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کرده است.

## تغییر مسیر از یک ملاقات

او درباره اینکه چطور از سرمربیگری تیم ملی بسکتبال با ویلچر سردار آورده است، می گوید: چند سالی از فعالیتیم در آموزش و پرورش می گذشت، یک روز با توجه به علاقه ام به بسکتبال تصمیم گرفتم به سالن های شهر سر بنم تا به دختران بیشتری این ورزش را آموزش دهم. سالن ورزشی مجموعه فیاض بخش نیز یکی از این سالن ها بود که مراجعه کردم، اما با پیشنهادی عجیب روبه رو شدم. اینکه بسکتبال را این بار به دختران با توانایی های ویژه و محدود آموزش دهم در حالی که تا آن روز هیچ شناختی از این قشر نداشتم، از همان روز بود که این داستان ۲۴ ساله مربیگری آغاز شد و من دیگر نتوانستم از این دختران جدا شوم.

## مربی، نقطه مشترک همه ستاره ها

او در تمامی این سال ها که صبح و ظهر ورزش را به دختران بدون معلولیت و ایستاده آموزش می داد، مأموریت ویژه تری در عصرها داشت تا تکنیک و تاکتیک ها را به دخترانی با صندلی های چرخ دار، آموزش دهد. حالا نقطه اشتراک صحبت های همه دختران بسکتبال با ویلچر شهر فقط یک نفر است، مهري يوسف زاده. حالا او برای تک تک دخترانش هم مربی جدی و سخت گیر است هم مادری دلسوز و مهربان.

## رکورددار جام های طلایی

یوسف زاده آن قدر در کارش با دقت و وسواس کار و استعداد های دختران شهر را شکوفا کرده که توانسته بعد از مدتی اندازه یک تیم بازیکن دور هم جمع کند تا راهی مسابقات قهرمانی کشور شوند و از آن پس هر جا نام رقابت آمد، تیم خراسان رضوی قهرمان شد و جام طلایی را به خانه برد. او با ستاره هایی که تربیت کرده است حالا رکورد دار بیشترین قهرمانی در رقابت های کشوری است که آخرین مورد آن آبان ماه سال گذشته رقم خورد. از دل همین مسابقات بهترین ها راهی اردوی ملی می شوند که با افتخار در هر اردو تا ۹ نفر از خراسان رضوی برای حضور در تیم ملی دعوت می شوند.

## مأموریت ملی برای خانم مربی

درخشش شاگردانش باعث شد او برای هدایت تیم ملی فراخوانده شود. یوسف زاده در بازی های پارآسیایی جا کارتا در سال ۱۳۹۷ به عنوان مربی در کنار تیم ملی بانوان بود. برای اعزام به پارآسیایی اینچئون هم در کنار تیم ملی به عنوان مربی در تمرینات حضور داشت. اردیبهشت ۱۴۰۰ سرمربی تیم ملی جوانان شد. دی ۱۴۰۰ با حکم رئیس فدراسیون، مربی مشهدی دوباره هدایت تیم ملی بسکتبال با ویلچر بانوان را بر عهده گرفت. او مأموریت حضور در بازی های آسیا و اقیانوسیه و پارآسیایی چین را بر عهده گرفت. البته پیش از آن هدایت تیم ملی را در بازی های آسیایی و اقیانوسیه بر عهده داشت که چهارم آسیا شدند. اما پرافتخارترین

و تاریخی ترین عملکرد تیم ملی خرداد ۱۴۰۱ بود که تیم بسکتبال با ویلچر زنان ایران در رقابت های آسیا و اقیانوسیه و انتخابی جام جهانی به مقام سوم آسیا رسید و مهم تر از آن برای اولین بار همراه ژاپن و استرالیا مسافر جام جهانی امارات شد؛ اتفاقی بزرگ در تاریخ این رشته. هر چند که جای دختران با استعداد ایران در آن جام جهانی خالی بود و اعزامی صورت نگرفت تا ندوه و حسرتش برای مربی و شاگردان باقی بماند.

## جدال سخت روی دیوار چین

حالا در آستانه رقابت های آسیا و اقیانوسیه تایلند چین، او به عنوان اولین سرمربی تیم ملی بسکتبال با ویلچر سه نفره بانوان ایران هدایت تیم ملی بانوان را بر عهده دارد و همین روزها باید راهی چین شوند. یوسف زاده حالا درباره مأموریت جدید خود می گوید: برای اولین بار در کشور تشکیل تیم ملی بسکتبال با ویلچر سه نفره را به فدراسیون پیشنهاد دادم. از سال قبل خود مان در استان مسابقات را برگزار کردیم و بچه ها را برای این رشته آماده کردم. در نهایت از ابتدای سال به عنوان سرمربی تیم ملی بسکتبال با ویلچر سه نفره مأموریت گرفتم تا برای اولین حضور در رقابت های قهرمانی آسیا و اقیانوسیه آماده شویم. از مشهد نیز چهار ملی پوش به اردو ها دعوت شدند. رقبای سختی در مسابقات چین داریم، اما به دخترانم اعتماد دارم که می توانند در میادین دشوار بدرخشند.

## درهای سالن به روی همه دختران باز است

سرمربی تیم ملی بسکتبال با ویلچر درباره اینکه آیا درهای سالن به روی همه دختران باز است یا نه، می گوید: از حضور تمامی دختران توانیاب در این رشته با افتخار استقبال می کنیم. روزهای زوج در سالن حمیدی مجموعه فیاض

بخش مشهد از ساعت ۶ تا ۷:۳۰ تمرین بچه های بسکتبال با ویلچر برگزار می شود. با کمال میل منتظر حضور علاقه مندان این رشته در سالن هستیم. ورود به این رشته هم هزینه زیادی ندارد. در واقع اولین گام این است که عشق به خود داشته باشند و بعد هم بسکتبال را دوست داشته باشند. ایاب و ذهاب و ویلچر های تخصصی نیز به مرور مهیا

می شوند. یوسف زاده درباره اینکه چه کسانی می توانند وارد این رشته شوند می گوید: هرگونه معلولیت خاص مثل قطع عضو یک یا دو پا و آسیب های نخاعی با قابلیت حرکات عضلانی می توانند راهی بسکتبال با ویلچر شوند. محدودیت سنی هم نداریم، در تمرینات ما بازیکن ۹ سال به بالا داریم.

